

وزیر عدلیه — لایحه تقاضای اختیاری است برای اجرای قوانین عدلیه که تقدیم مجلس می شود. ( آقای تدین بضمون ذیل قرائت نمود )

ماده اول - بوزیر عدلیه اجازه داده می شود که کلیه قوانینی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد می نماید بعد از تصویب کمیسیون عدلیه بمجلس شورای ملی موقتاً بموقع اجراء گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل و تکمیل نواقص ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید.

ماده ۲ - این اجازه شامل قوانینی است که از تاریخ تصویب این لایحه تا شش ماه از طرف وزیر عدلیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد می شود.

شیخ الاسلام اصفهانی - هر دو ماده مخالف قانون است.

رئیس - این لایحه کمان نمیکنم محتاج بمراجعه کمیسیون باشد باید جزء دستور مجلس بشود جلسه آتی روز پنجشنبه دوساعت بغروب و دستور آن اولاً رأی درباب لایحه که قرائت شد ثانیاً راپورت شعبه ششم راجع بآقای حاج میرزا عبد الوهاب نماینده همدان ثالثاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بورته مرحوم حاج شیخ محمد جواد رابعاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بتهیه بودجه های مملکتی است.

نصرت الدوله - اجازه بفرمائید

رئیس - بفرمائید

نصرت الدوله - بنده تصور میکنم چون لایحه بودجه خیلی طول کشیده و مذاکرات دراطرافش زیاد است اگر ممکن باشد لایحه بودجه را مقدم بر لایحه وزارت عدلیه قرار دهند شاید اغتنام وقتی نشود.

رئیس مخالفی نیست ؟

وزیر عدلیه - بنده مخالفم زیرا قانون ثبت اسناد و سایر قوانین دیگری تهیه شده و تصور نمیکنم این لایحه وقت زیادی را اشغال کند ممکن است جزء دستور بگذارند اگر چه بنده هم با آقای مخبر کمیسیون بودجه موافقم که تصویب راپورت کمیسیون بودجه بتأخیر افتاد ولی چون این لایحه وقت زیادی لازم ندارد ممکن است مقدم باشد

رئیس - راجع بتقدم و تأخر در جلسه دیگر رأی می گیریم لایحه رسیده است راجع بپیر قراری مستمری در حق ورثه مرحوم وقار الدوله بکمیسبون بودجه فرستاده می شود.

مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد.

### جلسه ۶۷

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه  
بیستم دلو هزار و سیصد و مطابق  
یازدهم جمادی الثانیه  
هزار و سیصد و چهل

مجلس یکساعت ونیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم سه شنبه هیجدهم دلورا آقای تدین قرائت نمودند

رئیس - آقایان ایرادی نسبت بصورت مجلس دارند یا نه : ( ایرادی نبود )

رئیس چون ایرادی نیست بصورت مجلس تصویب شد چون آقای وزیر عدلیه حاضر نیستند مذاکره در لایحه پیشنهادی ایشان میاندا تا موقع آمدن خودشان فعلاً راپورت شعبه اول راجع بنمایندگی آقای حاج میرزا عبد الوهاب از همدان مطرح مذاکره است و چون قبلاً قرائت و طبع و توزیع شده محتاج تجدید قرائت نیست. گویا آقای سلیمان میرزا مخالف بودند ؟

سلیمان میرزا - بلی

رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - بنده چنانچه در جلسه گذشته هم بعرض آقایان رساندم باراپورت شعبه مخالف بودم و علت مخالفت بنده این بود درموقعی که از همدان می گذشتیم يك عده زیادی از اهالی همدان اظهاراتی میکردند و از انتخابات آنجا شکایاتی داشتند که بنده میتوانم شکایات آنها را بدو قسمت منقسم کنم قسمت اول اینکه می گفتند در انتخابات اینجا دسیسه و اسباب چینی بهرح رفت است از اعضاء انجمن نظار هم رضایت مندی نداشتند و میگفتند طوری انتخابات اینجا جریان پیدا کرده که از ابتدا مقصودشان از انتخابات تقریباً معلوم بود و اظهار میکردند که در این موضوع هم ما راپورت مفصل و شکایات متعدد بطهران مخابره کردیم بالاخره مرکز مطالب ما را قابل توجه دانستند و مفتش فرستادند که مرحوم بقاع الملک بود و ایشان بعد از آنکه رسیدگی و تفتیشات کردند عراض و شکایات ما را صحیح و بموقع دانسته و امر بتوقیف انتخابات دادند اعتراض دوم آنها این بود که میگفتند بعد از توقیف انتخابات يك اشکال دیگری پیدا کردیم و آن اشکال این است که تمام صندوقهای آرا را بردند در منزل عنایت الملک نایب الحکومه بردند بدون این که شرایط قانونی را از حفظ کردن صندوق از بعضی تقلبات و مهر و موم شکاف صندوقها و غیره منظور داشته باشد و بنا بر گفته آنها فقط درب صندوق مفل بوده بدون رعایت شرایط قانونی که باید درب آنها بمهر اعضاء انجمن مهرور باشد و البته اینکار صحیحی نیست که صندوق آراء را مدت یکسال یا زیاد تردد است یکشخص بسیارند و ممکن است در این مدت او را آن دست خورده باشد و قفل آنرا باز نموده باشند چون لاک و مهر موم نبوده است غرض نظرباین مطالب در جلسه گذشته با این راپورت مخالفت کردم ولی امروز بنده در شعبه که این راپورت را داده اند حاضر شدم و دوسیه این راپورت را با حضور اعضاء شعبه مطالعه کردم و البته این مطلب محتاج بتذکار نیست که وقتی ما در شعبه بيك اعتبارنامه رسیدگی میکنیم مثل اعضاء محکمه هستیم که بخواهیم قضاوت کنیم و مدرک و اسناد ما باید در دست باشد و از آنرو قضاوت کنیم علم قاضی هم در هیچ محکمه سند و مدرک نمیشود و نمیتواند بگوید که چون خود من مطلع هستم باید رأی بدهیم نه اینطور نیست و البته اسناد و مدارک هم لازم

دارد و معلومات خارجی بدرد نمی خورد واقع و حقیقت را فقط و فقط عالم مطلق و خداوند توانا می داند و بس و اشخاصی که از طرف خداوند حقایق بآنها اعلام می شود مثلاً گردونفرینش هالی بروند و يك مسئله را بدروغ شهادت بدهند آن عالم حکم میکند که مطلب همینطور است و بشهادت عدلین مجبوراً رأی می دهد حالاً هم باید از روی انصاف نظر کنیم و رأی بدهیم بنده چیزیکه در دوسیه این مسئله را تقویت کندنیدم و در صورت مجلس انتخابات هم نگاه کردم دیدم نوشته بود که مدت قانونی رسیدگی بشکایات را معین کردیم و اعلان هم کردیم و شکایتی نرسید و در دوسیه هم اسناد و شکایتی موجود نبود فقط یکورقه در دوسیه بود بعنوان این که دسیسه در کار بوده بدون اینکه درست معلوم باشد که این شکایت را چه اشخاصی کرده اند و همانطور که در بدو امر اظهار کرده ام اهالی همدان بطور عموم می گفتند که در انتخابات دسیسه در کار بوده است ولی سندی برای اثبات این قضیه در دوسیه نبوده و عرض کردم علم هیچ کس هم صحبت نمی شود بنده عقیده ام این است که ( حالا اگر بخواهیم این امیدانم ) در جریان انتخابات مخصوصاً جاهائی که قراء اطراف وعده نفوس زیاد باشد البته مردم بمیل طبیعی و احساسات شخصی خودشان از دهات و اطراف بطور آزادی و دلخواه خود بر نمی خیزند در موقع زمستان هشت نه فرسخ راه را طی کرده و بیایند در مرکز انتخابات و رأی بدهند اگر ما حقیقه اینطور رعایائی داشتیم با این احساسات که معنی حقیقی آزادی را می دانستند و در موقع انتخابات نماینده خود را بمیل خود معین می کردند و می فهمیدند که معنی انتخابات یک نفر و کیل این است که مقدرات دو ساله خود را بدست یک نفر بدارند بدون اینکه دیگر حق استیناف و تمیز هم داشته باشند و هر چه آن شخص منتخب حقیقی ایشان حکم کرد همان خواهد شد چقدر خوب بود و آن رأی چه قدر و قیمت زیادی داشت اگر عموم مردم این مطلب را آگاه می شدند که بگویند این وکیل باید دوسال از برای ما کار بکند و يك باری از دوش ما توده ملت بردارد و آنوقت پنج شش هزار نفر از يك قصبه می آمدند بر مرکز انتخابات و با این احساسات رأی می دادند ( انشاء الله اگر خداوند بما عمر بدهد و چنین روزی را ببینیم ) آنروز روز سعادت واقعی این مملکت است و روز ترقی و تعالی ما است که همه مردم از روی احساسات شخصی با تجربه و دقت يك و کیلی را انتخاب کنند و يك منظوری از انتخاب وکیل داشته باشند و ملتفت باشند همین وکیل که می رود چه کار میکند ؟ بخیر آنها کار میکنند یا نه ؟ بهر حال این يك مسئله ایست مسلم ( نسبت بآقایان رفقا جسارت نمیکنم فرض بفرمائید در يك مملکت دیگر که موقع انتخابات باشد شاید اکثر انتخاباتشان از روی این احساسات نبوده باشد که مردم بمیل و رضا و رغبت بیایند و رأی بدهند حالا ممکن است نظر آن اشخاصی که میگفتند در انتخابات همدان دسیسه در کار بود همین باشد که در غالب جاها انتخاب از روی آزادی حقیقی و حفظ حقوق خودشان نبوده بلکه چیز دیگری سبب می شده

است و شاید اظهار این احساسات از روی دسیسه کاری بوده است که مثلاً از اسدآباد همدان فلان رعیت با اختیار خود بر نامی خیزد و پای برهنه انگساناننگان بهمدان آمده که يك شخصی را و کبل کند و حال اینکه معلوم نیست آن شخص را می شناسد و اطلاع از عملیات او دارد یا نه شاید طبیعتاً این حرکات در تحت نفوذ وامری باشد حالاً اگر چنانچه حقیقت را بخواهیم ممکن است همین نجو باشد ولی همانطور که هر ض کردم مدرک حکم و مخالفت ما فقط اسناد و نوشتهجات است که در دستمان باشد و در این زمینه باید از روی انصاف صحبت کرد و بنده اگر در جلسه قبل گفتم مخالف هستم و حالیه که يك سندی برای اثبات باهای خود ندارم مجبور نیستم که عمل بکنم که چون گفتم مخالف هستم باید حتماً مخالفت بکنم بنده حقیقتاً در دوسیه اسنادیکه این مطالب را برسانند ندیدم حالا اگر آقایانی که آنجا بودند غفلت کرده اند و تنها بگفتن قناعت کرده اند و در موقمی که انجمن برای شکایت تعیین کرده نیامده اند یا در مدت یکماه اول افتتاح مجلس عرایض خود را بمجلس نرسانده اند تقصیر با خودشان است و با ماها نیست باز تکرار میکنم در این دوسیه چیزی که اثبات این مدعا را بکنند بنده ندیدم و فقط مدرک بنده همان بود که در همدان از خود اهالی شنیدم و چون سندی در دست نیست نمیتوانم عرایض بکنم و دیگر در این موضوع عرضی ندارم

است و شاید اظهار این احساسات از روی دسیسه کاری بوده است که مثلاً از اسدآباد همدان فلان رعیت با اختیار خود بر نامی خیزد و پای برهنه انگساناننگان بهمدان آمده که يك شخصی را و کبل کند و حال اینکه معلوم نیست آن شخص را می شناسد و اطلاع از عملیات او دارد یا نه شاید طبیعتاً این حرکات در تحت نفوذ وامری باشد حالاً اگر چنانچه حقیقت را بخواهیم ممکن است همین نجو باشد ولی همانطور که هر ض کردم مدرک حکم و مخالفت ما فقط اسناد و نوشتهجات است که در دستمان باشد و در این زمینه باید از روی انصاف صحبت کرد و بنده اگر در جلسه قبل گفتم مخالف هستم و حالیه که يك سندی برای اثبات باهای خود ندارم مجبور نیستم که عمل بکنم که چون گفتم مخالف هستم باید حتماً مخالفت بکنم بنده حقیقتاً در دوسیه اسنادیکه این مطالب را برسانند ندیدم حالا اگر آقایانی که آنجا بودند غفلت کرده اند و تنها بگفتن قناعت کرده اند و در موقمی که انجمن برای شکایت تعیین کرده نیامده اند یا در مدت یکماه اول افتتاح مجلس عرایض خود را بمجلس نرسانده اند تقصیر با خودشان است و با ماها نیست باز تکرار میکنم در این دوسیه چیزی که اثبات این مدعا را بکنند بنده ندیدم و فقط مدرک بنده همان بود که در همدان از خود اهالی شنیدم و چون سندی در دست نیست نمیتوانم عرایض بکنم و دیگر در این موضوع عرضی ندارم

**آقا سید یعقوب مخبر** - چون حضرت والا شریف آوردند در شبه و دوسیه را بهمان ترتیب که بیان فرمودند دیدند وقایع شدند گمان میکنم دیگر مخالفی نباشد (چشمی گفتند صحیح است)

**رئیس** - آقای نصرت الدوله موافقید؟

**نصرت الدوله** - بلی

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله چه طوره؟

**حاج شیخ اسدالله** - بنده هم موافقم

**رئیس** - آقای مستشار السلطنه هم موافقت

**مستشار السلطنه** - بنده هم موافق هستم ولی با این طرز مخالفت کردنم مخالفم و می خواهم قدری در موضوع انتخابات سابقه که حضرت والا اشاره کردند صحبت کنم

**رئیس** - موافق هستید

**مستشار السلطنه** - بلی

**رئیس** - آقای محقق العلماء موافقت

**محقق العلماء** - بلی

**رئیس** - آقای آقایی دولت آبادی هم موافقت

**دولت آبادی** - بلی بنده هم موافقم

**رئیس** - چون دیگر مخالفی نیست رأی میگیریم

**آقایانی** که انتخاب آقای حاج میرزا عبدالوهاب را بنمایند که همدان تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد بالفعل رایبورت کمیسیون بودجه راجع بیرقزای یکصد تومان شهریه درباره چهار نفر ورثه مرحوم آقا شیخ محمد جواد مطرح است (آقای تئین رایبورت کمیسیون بودجه را بمضمون

ذیل قرائت نمودند)  
(رایبورت از کمیسیون بودجه بمجلس شورایی ملی) پیشهاد دولت را مبنی بر تقاضای برقراری يك صد تومان مستوری برای ورثه مرحوم حاج شیخ محمد در جلسه هشتم دلو کمیسیون بودجه تحت مطالعه در آمده و ماده واحده ذیل با اکثریت آراء تصویب شد.  
ماده واحده - مبلغ یکصد تومان شهریه در حق چهار نفر ورثه مرحوم حاج شیخ محمد جواد خراسانی به ترتیب ذیل برقراری شود  
(ا) درباره فاطمه خانم عیال آن مرحوم ماهی ۱۰ تومان  
(ب) عندها خانم صبیبه آن مرحوم ماهی ۲۰ تومان  
(ت) درباره حسین آقا پسر بزرگ آن مرحوم ماهی ۳۰ تومان  
(ث) درباره مهدی آقا پسر کوچک آن مرحوم ماهی ۳۰ تومان برای مخارج تحصیل  
**رئیس** - نسبت باین رایبورت مخالفی هست یا نه؟ آقای فتح الدوله.

(اجازه)  
**فتح الدوله** - بنده با طرز تقسیم این وجه مخالفم که برای حسین آقا پسر بزرگ سی و پنج تومان و برای مهدی آقایی تومانی معین کرده اند این تفاوت برای چه چیز است؟ و خوب است بطور تساوی تقسیم شود نه اینکه فرق بگذارند

**مخبر** - این عدم تساوی نظر ببینهاد خود و خانواده آن مرحوم است و البته نظریه آنها هم با احتیاجات فعلی و لوازم تحصیلات آنها است مسلماً پسر بزرگتر و ظایف تحصیل و کتاب و سایر لوازمش زیادتر از پسر کوچکتر است که تازه مشغول شده است والا در خود کمیسیون هم ابتدائاً نظر تساوی در بین بود و پس از تحقیقات بالاخره اینطور اصلاح دید و تصویب شد

**سیدالدوله** - علاوه بر فرمایش آقای مخبر این طرز تقسیم برای دولت هم بهتر است برای اینکه پسر بزرگ را که سی و پنج تومان داده اند زودتر از کردن دولت می افتد و باین جهت هم باید همین تقسیم را تصویب نمود و مخالفت نکرد

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست (گفته شد خیر)

**رئیس** - رأی میگیریم اورده آقایانیکه رایبورت کمیسیون را تصویب می کنند ورقه سفید و آقایانی که رد میکنند ورقه کیبود خواهند داد

در اینموقع اخذ آراء بعمل آمد و آقای سهام السلطان استخراج آراء نموده بشرح ذیل نتیجه حاصل شد

ورقه سفید علامت قبول (۵۰)

ورقه کیبود علامت رد (۳)

ورقه سفید بدون امضاء (۹)

**امتناع (۵)**  
**رئیس** - با اکثریت ۵۰ نفر از شصت و هفت نفر حضار تصویب شد  
اسامی قبول کنندگان

آقایان - رکن الملک - بیان الدوله - آقا میرزا علی کازرونی - اقبال السلطان - سیدالملک - بیان - الدوله - سهام السلطان - فهیم الملک - حاج میرزا علی محمد - میرزا محمد حسین صدرائی - عماد السلطنه طبا طبائی - قوام الدوله - شیخ الاسلام اصفهانی - آصف الملک - آقا سید یعقوب - منتصر الملک - عدل السلطنه - سردار معظم - معتمد السلطنه - شیخ العراقین زاده - ارباب کیخسرو - محمد هاشم میرزا - آقا میر سید حسن کاشانی - جلیل الملک - آقا سید محمد تئین - میرزا ابراهیم خان ملک آرائی - مستشار السلطنه - نصرت الدوله - نظام الدوله - وحید الملک - نصیر السلطنه - سردار جنک - وکیل الملک - آقا سید فاضل - آقا میرزا محمد نجات - غضنفرخان - وقار الملک - ملک الشعراء میرزا محمد صادق طباطبائی - حائز زاده - امین الشریعه صدر الاسلام - مدرس - سردار معظم کردستانی - میرزا هاشم آشتیانی - شیخ الاسلام ملایری - میرزا محمد تقی طباطبائی

اسامی رد کنندگان  
آقایان - مؤتمن السلطنه - محقق العلماء - ناظم العلماء

**ارباب کیخسرو** - بنده يك اخطار نظامنامه دارم اجازه میفرمائید عرض کنم

**رئیس** - بفرمائید

**ارباب کیخسرو** - در ماده ۸۸ نظامنامه داخلی مینویسد (ترتیب رأی گرفتن علنی با اوراق از اینقرار است که هر نماینده دارای دو ورقه مختلف اللون است که اسم آن نماینده در روی آنها چاپ شده است ورقه سفید علامت قبول و ورقه آبی علامت رد است) اولاً در این ماده بطور وضوح معین میکنند که باید دو ورقه مختلف باشد یکی کیبود و یکی سفید و ثانیاً اسم هر نماینده در روی آنورقه چاپ شده باشد و باید هر نماینده این دو ورقه را داشته باشد بعلاوه در هیچ جا نمی نویسد اگر امتناع دارند ورقه سفید بدهند بهر حال چون مدتی است که اوراق را تهیه نموده و به آقایان داده شده است استدعا میکنم اخطار بفرمائید که بعد از این همیشه اوراق را همراه داشته باشند و با آنها رأی بدهند

**رئیس** - تا بحال چندین مرتبه گفته شده ولی اثری نکرده است باز هم اخطار میشود - فعلاً ماده یازده ضمیمه رایبورت کمیسیون بودجه مطرح است - آقای ملک الشعراء مخالف هستند.

**ملک الشعراء** - بلی  
**رئیس** - بفرمائید.  
**ملک الشعراء** - عرض میکنم رفته اول که این بودجه معارف در مجلس مطرح شد بعضی از آقایان مذاکرانی فرمودند و بطور مختصر مسئله برگذار شد و مخصوصاً در مقابل بیانات بعضی (که

یکی از خدمات دولتی پذیرفته شوند بقدر کافی حقوق بآنها داده نمیشود که زندگانشان تأمین شود متأسفانه اگر مدارس هم داشته ایم اینطور بوده است و در مدارس با طفل خودمان اعتماد بنفس را تلقین نکرده ایم و فرزندان خودمان نیاموخته ایم که وقتی از مملکت بیرون می آیند يك مملکت و دولت مستقل و کوچکی هستند ما بوسیله اجتماع این افراد و این دولت های کوچک سعادت مند يك توده کوچک سعادت مندی ایجاد شود و از این توده های کوچک يك توده بزرگ با سعادت ایجاد بشود تقصیر بآنها نیست بلکه ما است که مدارسمان را محدود ساخته ایم و پرگرام مدارسمان تمام تقلیدی است آنچه پرگرام قدیمی و کهنه و اصول تمدن روشی که سالها است از بین رفته و در خود مرکز تربیت و تمدن که فراسه باشد کتب و نوشتهجات و تألیفات زیادی بر علیه این شکل تدریس نوشته و منتشر نموده اند و آن پرگرام قدیم و اصول کهنه شده را تغییر داده اند ولی ما بر عکس از آن اصول قدیمه تقلید کنیم که فوق العاده ناقص و بی اساس و اولادان مملکت خود را کلاً اقل می توانستند و در تحت تربیت پدر و مادر بفن و شغل پدری خود بهره مند شوند و استقلال ذاتی داشته باشند باین اصول تعلیمات ناقص که موجب سلب کردن استقلال فکری از آنها و فرار گرفتن مفاسد و عدم اعتماد بنفس است و بالاخره سبب زایل کردن ملکات ثابت و قائمی که بتواند بکنفر انسان را قادر کند که در هر جا که هست بشخصه زندگانی بکند باین اصول تعلیمات و بواسطه اینطور عملیات که منتج به نتیجه صنعتی و عملی نمیشد و فقط برای پشت میز نشستن کافی بود این فرزندان خودمان را از سعادت آینده محروم کردیم و بالاخره آنها را دستجات سیاسی و احزاب و جماعت تند و وطن پرست حساس ولی غیر قائم با لذات و غیر مستقل بنفس ساخت و از آنها نتیجه خوبی نگرفتیم البته اگر اصول تعلیمات را اصلاح نکنیم اصلاً از این مدارس و این طرز تعلیمات نتیجه نخواهیم گرفت و روز بروز بر عده اشخاص بیکار که منتظرند از طرف دولت بآنها گفته شود (بباید خدمت کنید و حقوق بگیرید) افزودیم و فقط باین وسیله اجتماع خود را رنگ علم زدیم و باین همه نواقص و بدبختی باز ما همین قدر خوشوقتیم که این جوانان و پدران ابتدا اگر نتوانستند خودشان با لذات بواسطه بهره مند شدن از تعلیمات عمومی زندگانی مستقلی داشته باشند باز از يك گله چهل و نادانی بیرون آمده اند تا این اندازه هم متشکر و امیدوارم که این اشخاص وقتی که پدر میشوند و مام کارها و سعادت آتیه مملکت را در دست میگیرند آن نتایج تلخی را که خودشان از سوء تعلیمات برده اند برای آنها تجربه بشود و این نتایج وخیم و ناگوار يك استدلالاتی برای آنها باشد که اصول تعلیمات را شکلی درست کنند که نتیجه آن استقلال مملکت باشد يك فرزند ایرانی طوری باید تربیت بشود که در هر کجا می رود يك مملکت متحرک کوچک و قوی

الفکر و يك آدم با استقلالی باشد و بداند و بخواند و بتواند زندگی خود را از نقطه نظر شرافتمندی یعنی سعی و فکر و اجتهاد ادامه بدهد و زندگانی کدهمین قدر خوشوقتیم که يك عده را بیدار کرده ایم که در آتیه باعث خواهند شد که يك ملتی را سعادت مند کنند ولی اساس اعتراضات بنده این قسمت نبود زیرا این قسمت بقدری دامنه دار و وسیع است که شاید باین جزئیات اصلاح نشود اساس اصلاح تعلیمات ما این است که در مملکت ما معلمین کافی تربیت شود و دارالمعلمین صحیح و مدارس صنعتی و فلاحی ایجاد بشود چنانکه آقای تئین با فصاحت تمام این مطالب را بیان فرمودند اما روح اعتراضات و روح مخالفت بنده بواسطه عدم تساوی بین ایالات و ولایات طهران است همان اعتراضاتی که رفقای محترم بنده فرمودند و از طرف مخبر محترم تعرضات شدید شنیدند بنده هیچ نمیتوانم فرض کنم یعنی ابتدا در تحت قاعده و فلسفه نیست که ایالات و مرکز يك مملکت باین حدود باین اندازه عدم تساوی ملحوظ شده باشد و همانطور که بین افراد باید تساوی حقوق باشد و از تمام استفاده که از معیشت مملکت میشود به تساوی بهره مند شوند (گفته شد صحیح است) ما هیچ نمیتوانیم باور کنیم و این قضیه را در تحت اصول علمی بشناسیم که تمام مدارس و صنایع و تشکیلات که ممکن است از برای ملت و مملکت نافع باشد مختص بطهران باشد راست است طهران مرکز مملکت است بنده هم نمیخواهم اصول در مرکزیت را باین وسیله ترویج کنم مرکز يك مملکتی باید با سایر ایالات مملکت فرق داشته باشد مثل اینکه قلب که مرکز تقسیم خون است از حیث ساختمان و محفوظ بودن اطراف و وضعیت موقمی با سایر اعضای بدن از قبیل یار و گوش و غیره فرق دارد ولی در موقع تغذی می بینم عین آن استفاده که قلب از خون می کند انگشت و سایر جوارح هم میکنند قلب مرکز است و مصون از تعرض و وضعیت ساختمان او بایک وقت هندی ساخته شده برای اینکه از مصادرات مصون بماند و خون را بتواند بتمام اعضاء برساند و اساس حیات انسان را اداره بکند ولیکن در موقع استفاده می بینم هیچ فرقی بین قلب و سایر اعضاء هم چنین مرکز يك مملکت البته باید وضعیت او مصون باشد و از نقطه نظر احترامات و شئون ادبی مرکزیت را دارا باشد ولی هیچ وقت نباید قائل شویم و اذعان کنیم که در مرکز مملکت تعلیمات جایز باشد و در ایالات جایز نباشد میگویند پول نداریم اگر پول نداریم باز هم میبایست آن پول کم خود را به تساوی بین مرکز و ایالات تقسیم کنیم اگر کم میرسد بوجه کم برسد اگر زیاد می رسد بوجه زیاد برسد حالا ممکن است مخبر محترم به بنده اعتراض بکنند که يك روزی خودت در تحت عنوان سر مقاله روزنامه نوشته بودی که طهران ایران است و ایران تهران

(و شاید یکی از مقالات معروف بنده هم همین مقاله باشد) بلی آن حرف را الان هم می گویم که ایران طهران است یعنی از نقطه نظر سیاسی مرکز ایران است و اگر مفاسد در طهران ایجاد شد بحکم مرکزیت از طهران بسایر نقاط ایران سرایت می کند و اگر یک افکار و مشروعات مقدس و آبرومندی در طهران خانه بکند مثل آنکه قلب خون را بتساوی بتمام اعضای بدن میرساند آن مشروعات مقدس هم باید از طهران بسایر نقاط مملکت سرایت کند آرزو بنده گفتم ایران طهران است برای این می گفتم که اگر طهران خراب و فاسد شد و نتوانست ملکات فاضله خود را روز بروز زیاد بکند آن مفاسد از طهران بایالات و ولایات تراوش می کند یعنی مأمورین و حکام ولات میروند و ملکات طهران را باقطاع ایران میبرند اهالی ایالات طهران را بمنزله پدر محترم نگاه میکنند و آن مفاسد ممکن است ایالات ایرانرا خراب بکند چنانچه اگر ملاحظه فرمائید اخلاق اهالی نقاطی که از مرکز دور هستند طبیعی تر و ساده تر و بهتر است و هر چه بهر مرکز نزدیکتر می شود روح محبت و برادری و مهربانی کمتر می شود و بهر مرکز که میرسیم آن روحی که در سرخس یا در یکی از دهات فارس می بینیم در طهران متأسفانه نمی بینیم و روز بروز اینها که فساد و شمع بدبختی از طهران دایره اش وسیع می شود و بایالات نفوذ می کند و اینکه بنده عرض کرده ام طهران ایران است برای این بود که طهرانرا اصلاح کنند تا تمام ایران اصلاح شود و اگر طهران را اصلاح نکنند تمام ایران فاسد خواهد شد ولی وقتی که من گوئیم طهران را نباید در حقوق بسیار ایالات مقدم داشت برای این است که می ترسم بواسطه این عدم تساوی شاید حس بدبینی نسبت بطهران در ایالات زیاد شود آنگاه اگر بخوایم یک اصلاحاتی را ترویج کنیم نمیتوانیم اینکه بنده عرض می کنم بایستی علم و معارف را بتمام ایران عرضه کرد و بتساوی بخشید برای این است که اصول مرکزیت حفظ شود و اهالی ایالات و ولایات هم از فیض معرفت بهره مند شوند و بتدریج بدانند که آنچه از طهران میرسد ممکن است بعضی از آنها خوب نباشد و آن اخلاق بهتر از ملکات خودشان نباشد برای این است که تمام مملکت بیک رنگ بشود و از روزهای محنت و سیاه بهدیگر کمک کنند ولی متأسفانه در این چند روزی که این لایحه مطرح مذاکره است باینکه این مسئله عدم تساوی از روز اول مذاکره شد ولی بنده دیدم نمایندگان و ناطقین محترمی که پشت تریبون تشریف آوردند کمتر در این موضوع بحث کردند مخصوصاً اغلب از آقایان نمایندگان طهران ( که بنده منتظر بودم بنام اینکه نماینده طهران ثابت کنند که نماینده تمام ایران است چنانچه بنده که نماینده خراسان هستم خودم را نماینده تمام ایران می دانم و میل داشتم از طرف آقای سلیمان میرزا و آقای تدین که نماینده طهران هستند پیش از بنده و سایر آقایان که نمایندگان ایالات هستند در این موضوع مذاکره بکنند ) متأسفانه

عرض اینکه این قضیه مطرح شود از طرف آقای سلیمان میرزا مسئله فقراء و محرومین و رنجبر مطرح مذاکره و باندازه که بنده از برای ایالات و ولایات ( که بعقیده بنده فقیرترین اهالی مملکت آنها هستند اصراً دارم شاید حضرت والا باین اندازه از برای فقرای طهران اصراً و ابرام نمودند ولی جواب حضرت والا درین فرمایش یکی از آقایان نمایندگان گفته شد که مدارس مجانی آزاد است برای اینکه اولاد فقرا آمده و درس بخوانند ولی بنده میل داشتم بایشان گفته شود که بدبخت و فقیر بیچاره ساکنین و اهالی ایالات و ولایات هستند برای طهران شصت باب مدرسه راجایز میباشند و برای یک بلوک یک باب مدرسه راهم جائز نمیدانند و همیشه بواسطه دستجات و رژیمهای غارتگر که از این طهران بالایات و ولایات برای بزرگی و فعال مایشائی میروند و بواسطه این بیگاری اهالی ایالات فقیرتر شده اند و از فقرای تهران هم فقیرترند و اگر فقرا را باید در نظر گرفت و غصه برای آنها خورد باید فقراء دور دست در نظر گرفت زیرا فقیر نزدیک را میتوانیم ببینیم و عملاً کمک کنیم ولی چون بآنها نمیتوانیم کمک عملی کنیم اقلاً بواسطه حرف آنها را افتناع کنیم یک قضیه را بنده تصور کردم که باعث این شده است که کرسی نشینان تهران و ولیدهای ملت بآن واسطه بطهران اهمیت میدهند و بفریادهای اهالی ایالات و ولایات نمی رسند این را بنده پیش خود خیال میکردم ولی یکی از نمایندگان محترم اقرار کردند ( اقرار کننده آقای حاج شیخ اسدالله بودند ) که در ضمن بیاناتشان فرمودند من از ولایات صحبت میکنم برای اینکه موکلینم از من خوششان بیاید ولی بعد برگشتند باین اصل کلی گذر این محیط اتخاذ نموده اند و بالاخره دفاع کردند از طهران و لزوم بودن مدارس زیاد در طهران و نبودن در ایالات و ولایات و فرمودند من این اظهار را می کنم برای اینکه ارباب جراید و معلمین مدارس در هیاهو و اجتماعات خودشان بمن اعتراض بکنند عرض بنده تصور می کنم که واقع شدن یک قسمت از این اجتماعات در طهران بیشتر آقایانرا مصر میکنند که اگر صحبت میکنند از طهران صحبت بکنند در صورتیکه بنده یقین دارم که اگر از ان شاگرد مدرسه هم ( که خانه خودش را بیشتر از خانه رفیقش اهمیت میدهد ) بپرسند که آقا آیا شما اقرار میکنید باینکه باید بین ایالات و طهران تساوی باشد بجهت اینکه حقوق افراد مساوی است ؟

البته انکار نمیکند و آن معلم و روزنامه نویس هم نمی تواند انکار کند که تساوی علم و معرفت بین ایالات و ولایات باید در نظر گرفته شود ولی وقوع مادر تحت تأثیر قضایای مرئی ما را از تساوی بین طبقات نامرئی منصرف کرده است بنده می بینم بطهران که مرکز ایران است از بهره علم و معرفت چهار قسمت رسیده است و تمام مملکت ایران از این چهار قسمت یک قسمت متأسفانه اگر بطهران تنها بقدر تمام ایران حق میدادند راهم چندان اهمیت نمیدادند و میگفتم خوب واقع شدن مادر محیط طهران ما را باید تا این اندازه مرغوب کند که از طهران نکامیم و ولایات نیز فزائیم اما قسمت یک چهارم مطالبی است که اگر از خارج هم کسی این قضیه را بشنود بما اعتراض میکند بتمام ایران که چندین مقابل طهران است و بیست و شش کروور جمعیت دارد یک سهم بدهیم و بطهران که یک کروور جمعیت دارد سه سهم این عدم تساوی را من بهیچ چیز نمی توانم حمل بکنم مگر باینکه ما مشرق زمینی ها آنچه را که جلو نظرمان است و با او خلط و آمیزش داریم او را محترم میدانیم و بآنکه یک قدم یاد و خانه از مادر تر است هیچ توجه و نظر نداریم در صورتیکه این یک عادت بدی است که ما اینها را بدهن بینی و فراموش کاری و بیوفائی معطوف کرده است بنده بهیچ وجه نمی خواهم عرض کنم که از مدارس طهران بکاهید و بمدارس ایالات بیفزائید بنده عرض می کنم اصلاً باین بودجه باید افزود برای اینکه سیر فقرائی را بکلی غلط میدانم چون وقتی در طهران شصت باب مدرسه دایر گردید دیگر نمیشود گفت چهل باب مدرسه بشود سیر فقرائی را در خصوص معارف غلط می دانم و عرض می کنم شصت باب مدرسه برای طهران گرامی و گوارا باد ولی ایالات و ولایات هم در حد تناسب خود حق دارند که از بودجه معارف به آنها هم بهره برسند و نرسید که این پیشنهاد مقدمه این است که دست پیش اجانب دراز کنیم بنده عرض می کنم شما تابعال خیلی قرض کرده اید و بیهوده خرج کرده اید بعد از این هم باز قرض خواهید کرد و بیهوده خرج خواهید کرد و ۱۷ سال دیگر هم از عمر شما میگذرد و همه روزه این فریاد را که امروز من میزنم خواهید زد و تأسف خواهید خورد که چرا بمعارف خودمان انبساط ندادیم بنده هیچ نمی ترسم و مرعوب نمیشوم که بگوئید از کجا بیآوریم و ولایات بدهیم بنده می گویم از هر جا نان می خورید از آنجا بدهید و میگویم از یک وزارتخانه صرف نظر کردن و تمام ایالات حصه وافی دادن از معارف و علم بهتر از این وضع است که شما امروز پیش گرفته اید آقای وزیر معارف در یکی از خطابه هائی که فرمودند تأسیسات و تشکیلات از مرکز باید شروع شود و بعد بایالات و ولایات منتشر شود

بنده اساساً این مطلب را منطقی نمی دانم زیرا وقتی در بارلمان یک تشکیلاتی تصویب شد این تأسیسات و تشکیلات بایستی یک دفعه و در یک موقع بالا اقل در ظرف یک سال در طهران و سایر ولایات شروع بشود و هیچ دلیل ندارد که ما تأسیساتی را در مرکز شروع کنیم و پس از پنج و شش سال روح ایالات و ولایات از او خیری نداشته باشد مع ذلک می گوئیم بر فرض این که اظهار ایشان صدق باشد حالاً چند سال است بمدارس طهران افزوده اند و ز حد سفر بحد قابل توجه رسانده اند و فعلاً قریب ۶۰ باب مدرسه ابتدائی و چند باب مدرسه متوسطه و دارالفنون و سیاسی و حقوق و طب و صنایع مستظرفه و غیره دارید در صورتی که در اینمندی که در طهران این تأسیسات را بحکم منطق خودتان ایجاد کرده اید و در ایالات یک قدم برای افزونی مدارس و تأسیسات معارف بر نداشته اید در صورتی که مالیات میگیرید و اول ایالات است تحمیل است اول برای ایالات است اگر لاله فرستادن بحکم زور و جبر است اول از برای ایالات است ولی اگر تعمی است اول از برای طهران است با وجود این قبول داریم همه چیز برای طهران ایران هم برای طهران ولی بس است سه سال است شما چندین قدم برای معارف طهران برداشته اید آخر چرا یک فکری هم برای ایالات و ولایات نمی کنید ؟ و تمام بفکر خودتان هستید همه چیز برای طهران هیچ چیز برای ولایات این خود یک حق کثی است اگر هیچ ضرری هم نداشته باشد همین یک ضرر بس است که افکار عمومی ایالات و ولایات را بمانیک بین نمی کند و برای اینکه شما بتوانید از این افکار عمومی جلو گیری کنید بایستی لاقل در حد متوسط ایالات را بطهران شریک و سهیم قرار بدهید و هر چه برای طهران است لاقل معادل آنهم برای تمام ایران باشد نصف برای ایران بیست و شش کرووری و نصف برای طهران یک کرووری اگر قرض هم بکنید از برای ازدیاد مصارف هیچ کس ایراد نمی کند چنانچه همیشه قرض کرده اید و هیچ کار نکرده اید و شاید بعد از پانزده یا بیست سال از این خرابی و بدبختی نجات پیدا کنید

**وزیر عدلیه - ما قرض نکرده ایم و نخواهیم کرد**

**ملك الشعراء -** چرا خیلی قرض کرده اید خیلی پول گرفته اید در ادوار قنرت پارلمان قدمهای بد برداشته اید خیلی مالیات بر مردم تحمیل کرده اید امروز هم بیائید يك بولی برای معارف و سعادت حقیقی این مملکت صرف کنید و از هر جا هست فکر یول کنید ولو از پول نط یا غیره باشد بهره بمعارف بدهید نگویید نداریم بنده میگویم قرض کنید ایالات بفروشید و معارف تعمیم کنید ..

**ملك الشعراء -** این را بنده بیگویم و تا این حدود این قصه را افرام میکنم.

ما نباید تهدید کنید که تو مگویی قرض کنید برای توسعه معارف چرا؟ عرض میکنم برای اینکه اگر مملکت دارای علم و دانش نباشد استقلال ندارد مملکتی که درس عمومیت ندارد سواد عمومیت ندارد و استقلال ندارد و حیات اجتماعی خود را نمی تواند نگاه دارد و آن مملکت بفریاد من و سلیمان مبرز و جراید و غیره ... اعتناء نمی کند و حس صیانت ملو در او نیست افراد این مملکت را که نباید همیشه بایس- گردنی اداره کرد پس گردنی در قرن بیستم و بیست و یکم برای نجات يك مملکت کافی نیست من میگویم از هر جا هست باید فکر یول کنید و بایالات از علم و معرفت بهره بدهید نمی گویم بقدر طهران بقدر نصف طهران بدهید و این عرض بنده را از نقطه نظر اینکه اهالی ایالات و ولایات را با خود همراه

کنیم حمل نکنید این يك حقیقتی است که بنده عرض میکنم و اگر گوش ندهید در آینده طبیعت باخبر شما حالی خواهد کرد بشما طهرانی ها خواهد گفت که شما مجبورید حق ایالات و ولایات را بدهید چه شده است که در تمام تحلیلات باید اهالی ولایات با طهران شریک و سهیم باشند اما در علم و معارف بهره مند نشوند و تمام ایران بقدر يك چهارم سهم ببرند چه شده است که از استفاده فشنونی و مأمورین مالیاتی و حکام ذوی العز و الاحترام و مأمورین عدلیه و تمام این تشکیلات که بوده دارد و خرج دارد ایالات شریک باشد .

چه امری از آسمان نازل شده است که در قضیه بمعارف ایالات را محروم کنید و پیش چشم خود می بینید که هفده سال از دوره مشروطیت گذشته و هنوز ندانسته اند بدانند که استاتستیک و احصایه با سواد در هر صد نفر بطور تحقیق چه قدر است آقای تدین فرمودند در هر صد نفر پنج نفر کمان میکنم مقصودشان طهران بوده است و اگر با اهالی ایالات بخوانند مقایسه قرار دهند کمان نمیکنم در هزار نفر بیشتر از دو نفر با سواد داشته باشد این تک است از برای يك مملکتی که میخواهد در هر صده سیاسی دول بزرگ اظهار حیات بکند .

وقتی یکی را میخواهند آقا و صاحب اختیار و حاکم يك ولایتی بکنند اول میگویند هر چه هست و نیست باید با اختیار من باشد حق هم دارد بگوید زیرا مملکتی که درصد نفر يك نفر با سواد دارد باید اینطور باشد چنین ملتی باید خجالت بکشد در هزار نفر سه نفر با سواد ندارد شا زاده سلیمان میرزا میفرمایند قانون جدید وضع کنید بسیار خوب قانون جدید وضع کنید وسیله جدیدی بترشید منبع جدید درست کنید هر چه میخواهید بکنید از آن شبنان بکاهید و بنان شب معلمین و مدیران مدارس بیفزائید و مدرسه بسازید این قدر جماعت بیکار هستند و میگویند در طهران چه کنیم من میگویم به ایالات حمل کنید و معارف را وسعت دهید آقایان بیکار بروند خراسان نیشابور فارس کرمان کار خانه آدم - ازای ایجاد کنند این شاگردان درس خوانده مجبور نیستند همه در وزارت مالیه یادر اداره معارف مرکز یادر سایر ادارات مرکز کار کنند تشریف ببرند در خارج طهران و قدری بفریاد سایرین برسند و ببینند هم وطنان آنها را بیابان چول چه میکنند و این دستجات که اسم آنها را ملت ایران گذارده ایم و متوقع هستیم و کیل صحیح انتخاب کنند در مواقع سختی هذا کاری کنند آقایان تربیت شدگان طهران برونند و ببینند این اشخاص که شما روزنامه نویسان از آن ها انتظار دارید و وقتی ملت خطاب میکنید خیال می کنید سی کروور ملت حساس پشت شما است بروید ببینید چه هستند به ببینید این طهران این مرکز فساد چه بسا ایالات آورده است

**سلیمان میرزا -** بنده توضیحی دارم

**وزیر عدلیه -** سه علت بنده را پشت تریبون سوق داد اگر چه در برادری نظر ممکن است مطلب مستقیماً مربوط به بنده نباشد ولی بواسطه مسئولیت مشترک که با وزیر معارف دارم و از این نقطه نظر در غیبت ایشان مجبورم چند کلمه از دولت دفاع کنم یکی از آن سه علت همکاری با وزیر معارف است و یکی تصمیم خاصی است که نسبت به بودجه معارف در هیئت وزراء

آنها فقیر نیستند مگر برای آنها غیر از فقر چیز دیگری باقی مانده است مگر جز فقر علمی و شرافتی چیزی در ایالات و ولایات باقی مانده اگر آتاری هم از تمدن قدیم و عرب در ایالات و ولایات باقی بوده یا مدرسه و طلبه بوده معلم و طیب و ادیب بوده مادر ظرف این هفده سال آنها را از بین بردیم و فهمانیدیم که باید ملت ایران با تمدن جدید انس بگیرد و باقی مانده تمدن و آثار قدیم را ما طهرانیها محو کردیم و از تمدن جدید هم چیزی باقی نماندیم و وقتی هم یک نفر فریاد بزند که بایالات هم حق بدهید شاید در جواب او بگویند قرض کنیم و بدهیم بلی بنده می گویم این بودجه را رد کنید آنوقت قرض کنید و یا بالاخره يك وزارت خانه را از بین ببرید بهر حال این بودجه رد بشود و يك بودجه که تساوی تأسیس مدارس و حقوق علمی بین ایالات و طهران منظور کرده باشد بنویسند و بیاورند تا ما بآن بودجه رای بدهیم و اگر این قدم را امروز برنداریم فردا پشیمان خواهیم شد و هر چه در این اطاق بزرگ بکنیم بی فایده است جزء تربیت ملت جز درس امنیت عمومی را درست کرده اید متنونیم قضیلت راهم تأمین کنید و در مملکت برقرار نمائید و بواسطه تعلیمات صحت انتخابات ده سال بعد از این را در نظر بگیرید و ده سال بعد از این را اصلاح کنید مادر کیسیون تجدید نظر در انتخابات نمایانیم چه کنیم و چه وسیله اتخاذ کنیم و از این هرج و مرج ها جلو گیری کنیم یکی میگوید فقط با سوادها حق رای داشته باشند دیگری میگوید پس باید تمام ملت ایران را از حق انتخاب محروم کنیم یکی دیگر می گوید مالیات دهندگان حق رای داشته باشند می بینیم هر کس که مالیات میدهد بی سواد است و با سوادها کمترند و اغلب مالیات هم نمیدهند از هر راه که می خواهم قانون انتخاب را ترا صحیحاً جریان بدهیم غیر ممکن است مگر اینکه اصلاً بگوئیم مشروطیت برای ایران زود است اینهم که سیر فقرائی است این است که عرض میکنم برای برقراری مشروطیت و آزادی و برای اصلاح آینده که در آینده بگویند مجلس چهارم هم يك قدم بزرگ برداشت بیائید همراهی کنید و این ماده قانون بودجه را بر گردانید و از وزراء و هیئت دولت خواهش کنید که در قانون جدید و بودجه ثانی که تصویب میکنید این مطلب را اصلاح کنید و بقدر دولت معارف طهران بایالات حق بدهید تا ما هم قانع شویم و باین وسیله ایالات و ولایات هم بهر مرکز امیدوار بشوند و بدانند طهران تنها در فکر خودش نیست و به ایالات و ولایات هم اهمیت می دهد .

اتخاذ شده است و سومی که شاید بیشتر باعث آمدن بنده در این محل باشد عبارتست از آنکه مکرر ناطق محترم بطرف ما پرتاب کردند ( که قرض خواهید کرد و بیهوده خرج خواهید کرد قرض بکنید و برای معارف خرج بکنید) این سه چیز بود البته در قسمت اخیر فرمایشات ایشان مداخله نمی کنم زیرا مطلب از موضوع معارفی خارج شد و شکل کلی بخودش داد که بحث در آن از وظیفه من خارج است و در قسمت اول فرمایش ایشان نیز که راجع به مابقی که در اصول تعلیمات موجود است بواسطه موافقتی که با نظر ایشان دارم اظهار می نکنم البته باید اصول تعلیمات منظم بشود و این قدم هائیکه متدرجاً بطرف اصلاحات بر میداریم باید دقت شود که (سیاستیک) و مرتب و منظم باشد و قدمهای اصلاح را کاملاً تأمین کند پس از آن چند کلمه در باب کمی معارف ایالات و ولایات فرمودند راست است من هم آنوقت که وکیل ملت بودم و آلان هم که وزیر عدلیه هستم با آقایان موافقم بودجه معارف ایالات و ولایات خیلی کم است و هیچ محل تردیدی نیست به عقیده بنده اگر تمام نمایندگان محترم ده جلسه دیگر هم این حقیقت را بیان فرمایند منکر نمی شود بود مسلم است این بودجه برای ولایات کم است ولی چاره چه چیز است این قسمت را اگر توجه فرمایند مطلب زودتر حل خواهد شد و زودتر می توانیم نتیجه برسیم مقدمه باید گفته شود که نمایندگان مملکت البته در تمام مسائل مملکتی باید با سلیقه ذمه دار باشند همانطور که در معارف مملکت دقیق هستند و مسامحه جملیه در باب معارف آینده ولایات و مرکز بنده نمی نماید همانطور هم در بیک مسئله دیگر مملکتی که تعدیل بودجه مملکت است باید صرف مسامحه نکنند این هر دو مطلب مهم است پس از آنکه این عرض را کردم مطالب دیگر خودم را هم عرض می دارم که برای جبران کمی بودجه ولایات دو طریق بنظر می آید یا باید از بودجه مرکز کاست و بر بودجه ولایات افزود که من یقین دارم این نظر را نباید تصدیق کرد زیرا مؤسسات معارفی ما در مرکز هم کم است اگر از نقطه نظر تناسب مرکز و ولایات بگوئیم باید از بودجه مرکز کاست و برای معارف ولایات خرج کرد این نقض عرض خود نماینده محترم هم خواهد شد

زیرا یکانه وسیله جلوگیری در آن شعاع مسموم که از مرکز ولایات می رود همان معارف است بنابراین نمیشود گفت که از بودجه مرکز کاست و ولایات افزود و باید بودجه مرکز محفوظ بماند و فکری هم برای بودجه ولایات بشود دولت حاضر یک قدم اولی برداشته و صد و چهل هزار تومان و کسری فعلاً پیشنهاد کرده است که برای مؤسسات معارفی ولایات تخصیص داده شود که سابقاً هم نبوده این مبلغی است که فعلاً اتخاذ می شود با تصمیم قطعی آقای رئیس الوزراء که در جلسه گذشته آقای وزیر معارف هم با اطلاع نمایندگان محترم رسانند در اولین مرحله که در حال مابله بهبودی حاصل شود اولین اضافه که در عایدات پیدا شده مسلماً برای

تکثیر معارف و برای مؤسسات ولایات تخصیص داده میشود ولی ما امروزه یک قدری از عمل دور هستیم و واگریک ارقامی را در دروی کاغذ بنویسیم در موقع عمل نخواهیم توانست آن پول را به محل برسانیم اتخاذ این طریق به عقیده من عملی نیست و فقط دلخوشی خواهد بود و البته نمایندگان محترم چندان مقید بدلخوشی نیستند که فقط ارقامی را روی کاغذ نوشته و فلانقدر تصویب شود و این نکته را در نظر بگیرند که از کجا و از چه محل اداره خواهد شد

پس نمایندگان محترم وقتی بودجه خرج را تصویب می کنند باید قهراً بودجه عایدات را هم در نظر داشته باشند و بعقدت من عملی ترین شق همین خواهد بود که این بودجه را که کمترین خرج است تصویب فرمایند و بهیئت دولت توصیه کنند ( چنانچه خود دولت هم این تصمیم را در هیئت وزراء گرفته است) که به جرد این که در عواید مملکتی یک توسعه پیدا کند بخارج دیگر نرسانند و توسعه بمعارف ایالات را مقدم بدارند اگر همین طریق را نمایندگان در نظر بگیرند بعقدت بنده نزدیک تر بعمل خواهد آمد مطلب دیگر که آقای ملک الشعراء فرمودند این بود که قرض کنیم و خرج توسعه معارف کنیم در ضمن مکرر فرمودند ( قرض خواهید کرد و بیهوده خرج خواهید کرد ) این قسمت اگر کلی باشد بنده عرضی ندارم ولی نسبت به آن قسمت که راجع به حکومت حاضر است عرض می کنم که دولت حاضر تصمیم دارد که بهیچ وجه قرض نکند و بنابراین هم بیهوده خرج نکند دولت حاضر در نظر گرفته است که در تمام مخارج مملکتی مقتضیات نظارت کامله مجلس شورای ملی را بنحواً کامل فراهم آورد و بنابراین اصل اگر قرضه بشود یا خرج زیادی بشود مجلس مسئول است نه دولت زیرا دولت بدون اجازه مجلس یک دینار قرض نمی کند پس اینکه فرمودند قرض خواهید کرد و بیهوده خرج خواهید کرد بنده در می بینم مافرض نخواهیم کرد و بیهوده خرج نخواهیم کرد

رئیس — آقای سلیمان میرزا ( اجازه نطق)

سلیمان میرزا — چون نوبت عرض بنده نرسیده نمیتوانم در اصل موضوع داخل شوم نقطه منی خواستم در این مسئله که آقای ملک الشعراء اشاره کردند توضیحی بدهم باوجودیکه برای آقای حاج شیخ اسدالله سوء تفاهم تولید شده بود و یک دفعه توضیح دادم معذالک باز برای آقای ملک الشعراء شبهه باقی است بنابراین تکرار میکنم که رفع سوء تفاهم بشود بنده وقتی در خصوص قضا صحبت می کنم بطور معمولی میگویم برای بنده فقیر همه جا فقیر است خواه در مرتبه ای که خراسان باشد یا در شمال یا جنوب یا شیراز یا در آذربایجان تفاوت نمی کند همه فقرا یک دسته و آخذ و مظلومی هستند که در زیر دست زوردارها و اغنیاء میغلطند و ناله می کنند و اگر عرض کردم برای کمک به بدبختها بوده عموماً فارسی شیرازی زنجانی آذربایجانی

تعمیر الممالک — (سنائی) فقرا در همه جا فقیر هستند

سلیمان میرزا — بفرمایش آقای سنائی فقرا در همه جا فقیر هستند و باید بآنها کمک نمود و ظالمان در هر نقطه مملکت ( قدری بالاتر عرض میکنم) باید در هر نقطه دنیا باشد ظالم ظالم است و مظلوم باید با مظلومین متحد بشوند و یک سد بزرگی مقابل ظالمین تشکیل بدهند تا خداوند آنها را موقوف کند نظر بنده بخصوص متوجه فقرا طهران نبود و نیست

رئیس — اگر آقایان موافق باشند چند دقیقه تنفس داده شود در این موقع آقایان نمایندگان برای تنفس از مجلس خارج و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید

وزیر عدلیه — قبل از اینکه داخل در دستور بشوم اجازه می خواهم قانون ثبت اسناد را که حاضر است تقدیم نمایم ( به آقای رئیس تسلیم نمودند )

رئیس — مذاکرات راجع به ماده یازدهم ضمیمه قانون بودجه است

نصرت الدوله — (مخبر کمیسیون بودجه) بعد از نطق فنی و با تحقیقات اداری آقای تدین در جلسه گذشته بنده خیلی خوشوقت بودم که از طرف آقای ملک الشعراء خطاب به فصیح و بلیغ ادبی در اینجا اظهار شد و خوشوقتی بنده از همین بود که خود ایشان اظهاراتی بر فراق دوستی خصوصی و شخصی بین ما فرمودند و نظر باینکه از نقطه نظر جمعیتی هم نزدیک هستیم باین ملاحظه هر مذاکره بین ما رد و بدل شود البته از نقطه نظر معارضه شخصی نخواهد بود بنده فرمایشات ایشان را یادداشت کرده بودم و به آن قسمتی که راجع به راپورت کمیسیون بودجه است جواب عرض میکنم ولی قبل از اینکه جوابی بدهم هم تصور میکنم وظیفه من از نقطه نظر نمایندگان از نقطه نظر جواب دادن در مقابل فرمایشات ایشان این است که مقدمه بدو مطلب مهم که در ضمن فرمایشاتشان بیان فرمودند اعتراض کنم اگر چه داخل در موضوع بوده نبود ولی چون قرار بر این شده است که در بودجه نسبت به هر چیزی میشود مذاکره نمود و همین طور هم تابعال این ترتیب جاری بوده بنده می خواهم جواب عرض کنم یقین دارم اگر آقای رئیس الوزراء تشریف داشتند در عوض آقای وزیر عدلیه خود ایشان مقدم بجواب میشدند و اگر آقای وزیر عدلیه جوابی ندادند از نقطه نظر احتیاط بوده که بدون حضور رئیس خودشان و بدون مشورت با ایشان با آقای ملک الشعراء بگویند که در مجلس شورای ملی در حضور نمایندگان که قوه مقننه مملکت هستند و او اینکه از نقطه نظر غلو و اغراق شاعرانه و ادبی خوب هم باشد که گفته شود یک ایالتی را بفروشد و خرج معارف کنند ولی در این محضر از نقطه نظر نمایندگان و از نقطه نظر قانون گذاری باید گفته شود

که البته ایشان هیچ نظری جز غلو در عقیده خود نداشته اند و بنده لازم دانستم تذکار را بدهم دیگر اینکه در ضمن فرمایشاتشان راجع بمقایسه طهران و ایالات و ولایات که چندینست بواسطه بودجه بمعارف حقیقه نقل مجالس و مبالغه شده در ضمن تشریح حالات اخلاقی مکرر شنیدم که ایشان طهران را بنام مرکز فساد خواندند و تکرار کردند و حتی فرمودند نگذارید دست جبر طبیعت در مقابل این عدم تناسب اخلاقی بشما اهالی طهران حقایق را بهمانند بفرمایند همانطور که ایشان کردند که شاید بنده اعتراض کنم که بیک روزی نوشته اند ایران طهران است و خودشان جواب این اعتراض معتدل بنده را دادند بنده هم می خواهم ایشانرا متذکر شوم که در این زمینه عقاید مرا بیش از همه کس می دانند شاید خود بنده هم در این عقیده غلو داشته باشم و ممکن است بصفتها جرایم گذشته رجوع فرمایند و از قلم بنده و آثار فکر بنده چیزهای شدیدتر از این راجع بطهران ببینند

ولی مناقشات ادبی که در موقع مباحثه بین افراد یا جریده نگرانی یا مباحثات عالیه اخلاقی و اجتماعی میشود غیر از مسائلی است که بایستی در مرکز سیاست مملکت گفت امروز با وضعیاتی که موجود است ما اینقدر نباید نسبت بفساد مرکز و مرکز فساد بودن طهران هم آواز و هم صدا بشویم فرمودند آقای ملک الشعراء در یک قسمت از فرمایشات خود خطاب بناطین محترم در یکی از جلسات میگفتند الفاظ و عبارات کافی نیست و باید حقایق را بموقع اجراء گذاشت تا تأثیر خارجی پیدا کند خودشان تصدیق می کنند در هر رشته باشد می خواهد در طر فدراری از رنجبریا طرفداری از معارف یا غیر اینها باشد الفاظ در دنیا نمی تواند موضوعیت داشته باشد بایستی عمل بشود تا اینکه تأثیرات خارجی پیدا نماید ما کدر اینجا نشسته ایم و سرتاسر معایب مملکت را می بینیم در این مملکتی که اهالی سواد ندارند اطلاع ندارند البته این قبیل مسائل و اظهارات ممکن است در مفاغهای که پخته شده اند و مستعد نیستند یک تأثیراتی مخالف آنچه می خواهم تولید نماید البته این کافی نیست بگوئیم فلان عقیده داریم البته این کافی نیست که کسی بگوید بنده قائل به امر مرکزیت نیستم باید عمل مصدق بکنی از این ادعاها باشد البته من بایستی یک چیزهایی بگویم که برخلاف مقصود و نیت خود تعبیراتی بکنند در موضوع عدم تساوی بودجه مرکز و ایالات و ولایات سابقاً هم آقایان اظهاراتی فرمودند و امروز هم مشروحاً باینک حرارت زیادتر و نکات جالب و حتی آقای ملک الشعراء تجدید نموده و در ضمن فرمودند که در آن موقع اولی که این اظهار شد بنده حمله کرده بودم من هر چه فکر کردم نفهمیدم کمی بنده این اظهار حمله کردم و نمیدانم چه موقع نسبت باین عدم تساوی چیزی گفته ام که او را تعبیر با حمله کرده اند بنده روز اول گفته ام و حالا هم میگویم تاسیساتی که در مرکز هست و بودجه که امروز شما تصویب میکنید چیز تازه نیست آقای

تدین پریروز بطور اعتراض فرمودند حالا هم از نقطه نظر اعتراض یا حقیقت اگر درست فکر کنیم خواهیم دید این مبلغی را که امروز بنام معارف طهران نوشته شده نتیجه فکر بنده و سرکار نیست و برای تاسیسات جدیدی نخواهد بود سالها بواسطه مقدم بودن بعضی بواسطه اینکه از اول درست دقت نکرده اند که باید بحال ایالات و ولایات هم پرداخت تاسیساتی در مرکز — تشکیل شده و حالا شما آنرا ابقا میکنید در موقعی که مذاکره تساوی و عدم تساوی بودجه مرکز و ولایات بود بنده پرسیدم نقطه نظر آقایان چیست اگر این است که بایستی از این مبلغ کاست و مبلغ دیگر افزود این مطلب دیگری است و اگر نقطه نظرشان این نیست و میگویند باید بودجه ولایات افزوده که همه موافقم و عرض کردم در کمیسیون بودجه هم این مسئله — منکر نداشتم که از نقطه نظر حساب و تساوی و از هر نقطه نظری که ملاحظه کنید نباید تمام ایران را یکطرف گذاشت و یک خمس و یک ربع بودجه مرکز را همانطور آقای ملک الشعراء فرمودند برای آنها معین نموده این بقدری واضح است که هم دولت که پیشنهاد کردم و هم کمیسیون که تصویب نموده بخوبی این مطلب را ملتفت بودند منتهی چیزی که ما را وادار بعدم تساوی کرده دو چیز بود یکی اینکه نسبت بایالات و ولایات تاسیساتی که میشود همه جدید خواهد بود شما که امروز این صد و چهل و هشت هزار تومان را تصویب میکنید شاید صدوسی هزار تومانش برای تاسیسات جدید باشد که وزارت معارف میخواهد شروع بکند و علاوه باید وزارت معارف یک تجربه و امتحانی هم از طرز تأسیس مدارس در ایالات و ولایات پیدا کند و وسائل تأسیس مدارس را در نظر بگیرد این مسئله که عرض کردم فرع بود ولی اصل مسئله لزوم تعدیل بودجه است که در این خصوص هم آقای وزیر عدلیه فرمودند و هم اظهاراتی نموده و در مقابل عدم تساوی مرکز و ولایات توضیح دادم و ضمناً سئوال و استفسار کردم که نظر آقایان چه چیز است اگر نظرشان این است که از بودجه مرکز کاسته شود و ولایات افزوده شود مطلبی است در حالتیکه تصدیق دارم عقیده آقای ملک الشعراء هم این است که تاسیسات معارفی مرکز زیاد نیست و این مقدار هم که هست کم است و باید بودجه ایالات و ولایات افزوده شود بنده پرسیدم این افزودن را از کجا می آوریم امروز آقای ملک الشعراء فرمودند قرض کنیم این مسئله مربوط بکمیسیون بودجه نیست مربوط بدولت است اگر دولت لازم بداند پیشنهاد می کند و اگر بنا شد تصویب کنیم تصویب میکنیم این وظیفه و کالتی است چون بنده حالانی — دائم قرض را تصویب می کنم یا خیر ولی اگر هیئت دولت پیشنهاد کرد و بنده قرض کنیم آنوقت هم موافقم که اولین دفعه باید خرج معارف شود مسائل دیگری هم فرمودند که قبلاً هم گفته شده بود آقای تدین هم معالهای عملی تری در پشت تریبون اظهار کردند و بنده هم که مخبر کمیسیون بودجه بودم عرض

کردم آقای رئیس الوزراء هم در خارج به بنده فرمودند که از طرف ایشان در مجلس اظهار بکنم که دولت در نظر دارد در اولین موقع فرصت یک محل عایدی برای معارف پیدا بکند و حالا که خودشان تشریف دارند البته تصدیق می فرمایند بنده هم در جواب آقای تدین گفتم بسیار خوب شما معالهای ما نشان بدهید بنده هم با آقای رئیس الوزراء عرض میکنم شاید تصویب شود از این محلها بودجه معارف ایالات و ولایات زیاد شود بنده چیز دیگری نگفتم و نمیدانم بکنی حمله کردم و چرا حمله کردم بنده اگر حمله کردم راجع بیک مسائل شخصی خصوصی است راجع باین است که اگر کسی به بنده یک حرف شخصی بزند من تصور بکنم بر میخورم ممکن است بنده بقول بعضی روزنامه نویسها صدایم مهیب بشود این مهیب بودن صدا هم یکی از تقبذاتی که در جریده شریفه معاشی ملی کدر نوبهار نوشته بودید می شود این یک تقصیری است که باید آنها بگویند و بر ما وارد کنند مقصود این است که بنده نقطه نظر حمله نداشتم دیگر بنده در این بادداشتهای خودم چیز مخصوصی نمی بینم که جواب عرض بکنم غیر از یک نکته که آن را نسبت باظهارات آقای حاج شیخ اسدالله دانستم و شاید خودشان هم اجازه خواسته باشند و توضیح بدهند ولی بنده هم نسبت بسهم خودم چون عضو کمیسیون بودجه هستم لازم می دانم توضیح بدهم آقای حاج شیخ اسدالله درست خاطر من نیست چه فرمودند ولی گمان نمیکنم ایشان گفته باشند که پیشنهاد مرکز را تصویب کردیم برای این بود که روز نامه ها داد زدن را در شهر اجتماعات کردند یا خواستند باصطلاح جدید و بزنده نه هیچکدام ما هر دو این مسائل نیستیم طفلان شهر بی خبرند از آن ما با یک فکر و عقیده و عزم راسخی یک چیزی را که صلاح و مصلحت این مملکت و سیاست بدانیم آن کار را می کنیم و علنی هم می گوئیم و پشت سرش هم می ایستیم نه از روزنامه می ترسیم و نه به روزنامه واقعی می گذاریم و نه یک تأثیراتی در خوانندگان آنها می شود ( البته بطور کلی عرض نمی کنم یک مستثنیائی هم بین آنها هست ) اما راجع بودجه معارف بنده می بینم باز بودجه معارف سبب اشتباه شده است یک بودجه اول دولت آورد و از آن بودجه کمیسیون هیچ کس نکرد هشت هزار تومان بآن افزود بعد آمدند و گفتند ما اشتباه کرده ایم حال بنده یا مخبر سابق یا لاحق یا کمیسیون بودجه مسئول اشتباه دولت و وزیر نیستیم دوباره که آوردند و گفتند پیشنهاد این است ما هم گفتیم بسیار خوب خوب است این تعبیرا نسبت باظهارات آقای حاج شیخ اسدالله فرمایند ایشان هم چنین چیزی فرمودند حالا بنده می خواهم یک استدعائی از آقایان بکنم و میدانم که به یازده نفر از رفا اجازه خواسته اند که در موضوع بودجه معارف صحبت کنند و تمام هم نقطه نظرشان این است که بودجه ایالات و ولایات کم است ما هم تصدیق داریم و می خواهم با کمک

هیئت دولت يك محللهائی برای آنها تهیه کنیم حالا خوب است با اظهار این عقیده بیائیم و این ماده یازدهم را ختم کنیم که بیشتر وقت مجلس و مردم و خودمان را صرف يك مذاکرات که خیلی خوب است نکنیم زیرا هر مطلبی هر قدر خوب باشد بیش از اندازه که طولانی و دراز شود از خوبی کاسته میشود

**رئیس الوزرا** - بنده در جلسه سابق نبودم و نتوانستم حضور بهم رسانم ولی از عبارات آقایان چنین می فهمم که نظر بعضی از آقایان این است که باید تناسبی مابین بودجه معارف ایالات و ولایات و مرکز باشد بنده علاوه بر آنچه آقای مخبر توضیحات داده اند هر چه عرض کنم در همان مرتبه خواهد بود ولی همینقدر عرض میکنم بعضی از مدارس عالی که در تهران تأسیس شده از برای تمام مملکت است و نمیشود آنها را حذف کرد پس یکقسمت از بودجه مرکز راجع میشود بتمام مملکت و یک نکته دیگری که میخواهم خاطر آقایان را بدان متذکر کنم این است که این قضیه يك قضیه ایست که خود طبیعت تا اندازه پیش آورده است برای آنکه نباید فراموش کنیم که این مدارس که از دولت کمک خرج میگیرند یا بتوسط دولت اداره میشوند بدو جهت معارف خواهان مملکت تأسیس شده و در سال قطعی چون نتوانستند از عهده اداره کردن آن مدارس برآیند بنام دولت آنها را اداره کند و قبل از سال قطعی چندین سال خودشان را اداره مینمودند این نبوده است مگر اینکه استعداد مرکز بیش از ولایات بوده و اهالی تهران بیشتر ب معارف اهمیت داده اند پس تا اندازه خود طبیعت این قضایا را پیش آورده از تمام اینها گذشته بنده يك چیزی عرض می کنم که باید آقایان قابل توجه قرار بدهند و آن این است که در سابق چهارده هزار تومان و کسری برای ولایات تخصیص داده شده بود و در این بودجه صد و پنجاه هزار تومان تصویب شده و این يك قدم جدیدی است که برای معارف ایالات و ولایات برداشته شده و از طرف دیگر اطمینان میدهم که این قدم تکمیل خواهد شد و آقایان وعده میدهم که در آتی نزدیکي يك کمکی از برای بودجه معارف پیشنهاد میشود که مقصود آقایان نمایندگان حاصل شود و خواهش میکنم امروز همراهی کنند که اینامده بگذرد و داخل سایر مواد بشویم که بودجه زودتر تهیه شده و از مجلس بگذرد که وزارت خانه هاهم تکلیف خود را بدانند و بودجه ها، جزء خود را بمجلس پیشنهاد نمایند زیرا هر چه اینکار بتعویق بیفتد ضرر مملکت است و بنده مخصوصاً خواهش میکنم اینامده بگذرد که زودتر این لایحه تصویب شده و تکلیف دولت معلوم باشد

**رئیس التجار** - وعده صحیحی است همه قبول می کنند

**رئیس** - قریب بیست نفر تقاضا کرده اند که مذاکرات کافی است رأی میگیریم بکافی بودن مذاکرات .

**حاج شیخ اسدالله** - اجازه میفرمائید بنده توضیحی دارم عرض کنم

**رئیس** - خیلی از آقایان توضیح دارند بموجب کدام ماده نظامنامه میخواهید توضیح بدهید

**حاج شیخ اسدالله** - بواسطه سابقه که در مجلس است

**رئیس** - سابقه در مجلس سوء استعمال شده ماده (۱۰۹) نظامنامه داخلی قرائت میشود که هر روز باسم توضیح داخل در مذاکرات دیگر نشوید (آقا میرزا ابراهیم خان ماده مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

اگر در ضمن مباحثات و نطق افترا و تهمتیه به یکی از نمایندگان زده شود یا عقیده و اظهار او بر خلاف واقع جلوه داده شود و نماینده مذکور برای تبرئه و رفع اشتباه نطق بجواید بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد

**رئیس** - توضیحی که میخواهید بموجب این ماده وارد است ؟

**حاج شیخ اسدالله** - بلی

**رئیس** - تهمتیه زده شده و برخلاف واقع اظهارات جنابعالی تمییز شده است

**حاج شیخ اسدالله** - بلی

**رئیس** - بفرمائید

**حاج شیخ اسدالله** - بنده نسبت داده شده که بنده وقتی در موضوع معارف اظهار عقیده می کردم گفته ام رأی که در کمیسیون داده ام بواسطه اظهارات جرایم بوده است در صورتیکه هیچ ابداً همچو چیزی نبوده و بنده عقیده خود را ثابت میدانم و هیچ چیز عقاید بنده را تهدید نمیکند بنده اظهار عقیده کدر کمیسیون بودجه کرده ام از روی يك عقیده ثابتی که نسبت ببودجه معارف داشته ام بوده است و این نسبتی که بنده داده شده بکلی تکذیب میکنم و هیچ همچو اظهاری نکرده ام اگر مراجعه کنند به صورت نطق بنده کدر آنجا ( اشاره به هیئت تند نویسی ضبط شده است می بینند که بنده آن مطلبی را که عرض کرده ام برخلاف این نسبتی است که بنده داده اند و ابداً اینطور نبوده رأییکه در کمیسیون داده ام به ملاحظه جرایم و علم سرخ و سفید نبود

**رئیس** - کس دیگر توضیحی دارد یا خیر

**ملک الشعراء** - بنده دو کلمه عرض دارم

**رئیس** - برای رفع اشتباه است

**ملک الشعراء** - بلی

**رئیس** - بفرمائید

**ملک الشعراء** - بنده گمان میکنم آقای حاج شیخ اسدالله در ضمن مذاکرات خودشان اینطور بیان فرمودند ( از نقطه نظر جرایم واجتماعات و غیره ) و اینطور استنباط شده گویا همینطور بیان فرمودند که این قضایا مؤثر شده است که بطهران بیشتر اهمیت داده شده است حالا اگر اشتباه شده است نمیدانم .

**رئیس** - دیگر کسی اعتراضی ندارد ؟ رأی

میگیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند

( اکثر قیام نمایند )

**رئیس** - تصویب شد چند فقره پیشنهاد رسیده است قرائت میشود بعد رأی میگیریم ( پیشنهاد های مزبوره بمضمون ذیل قرائت شد )

اینجناب پیشنهاد میکنم که بودجه وزارت معارف بکمیسیون بودجه عودت داده شده و تا کمیسیون با مشارکت دولت در آن تجدید نظر نموده تا بامجلس تقدیم شود

سید محمدتدین

مقام محترم ریاست مجلس شورایی

این بنده پیشنهاد می نمایم از مبلغ بیست و دو هزار تومانیکه برای حقوق معلمین اروپائی معین شده است يك مبلغی صرفه جوئی و کسر نموده برای یکنفر سرپرست که در اروپا برای محصلین ایرانی معین بشود اختصاص دهند و در انتخاب و تعیین آن یکنفر سرپرست توضیحاتی دارم عرض خواهم نمود

مستشار السلطنه

این بنده پیشنهاد می کنم خرواری یققران و تومانی دوست دینار اضافه مالیات را با صدی يك از مصارف و حقوق که تخصیص ولایات بدهند که کمکی باشد همین میزان و مبلغ هم در ولایات از اضافه مالیات بگیرند .

سلطان العلماء

(مقام محترم ریاست مجلس شورایی)

این بنده پیشنهاد مینمایم که از مبلغ دوازده هزار و دوست و هشتاد تومان وجه اعتباریه وزارت معارف مبلغ ده هزار تومان باعتبار معارف ولایات افزوده شود و برای محل اعتبارات وزارت معارف دو هزار و دوست و هشتاد تومان کافی است

مستشار السلطنه

(پیشنهاد آقای سلیمان میرزا بمضمون ذیل قرائت شد)

ما امضاء کنندگان پیشنهاد می نمایم که آنچه بعنوان معارف گرفته میشود مطابق ماده سیزده عایدات مملکتی هر قدر باشد خارج از این اعتبار بصرف معارف همان محل برسد

**رئیس** - این پیشنهاد هم حکم پیشنهاد قبل را دارد فقط راهی که این پیشنهادات دارد این است که بطور ماده الحاقیه اضافه شود حالا باید به اصل ماده رأی بگیریم

**مخبر** - قبل از اینکه در این ماده رای گرفته شود لازم است يك اصلاحی در این ماده بشود همانطور که در جلسه قبل توضیح دادم در موقتی که هیئت دولت برای اعانه مدارس خارجه طهران ۱۶۶۶۰ تومان پیشنهاد نموده کمیسیون بودجه بتصور اینکه مدرسه آلمانی تأسیس نخواهد شد ۱۲۰۰ تومان اعانه آن مدرسه را از بودجه کسر نمود ولی بعد از آنکه تحقیقات بعمل آمد معلوم شد این مدرسه خیلی زود تأسیس خواهد شد بر حسب پیشنهاد آقای رئیس الوزرا برای اینکه مجدداً در موقتی تأسیس مدرسه استیندان پرداخت این مبلغ بمجلس مراجعه نشود امضاء کمیسیون امروز صبح تصویب نمودند که مجدداً مبلغ ۱۲۰۰ تومان بر بودجه معارف علاوه گردد تا موقتی که مدرسه مفتوح میشود دولت بتواند اعانه آنجا را بپردازد لهذا لازم است این مبلغ جزء اعانه مدارس خارجه طهران اضافه شود و نوشته شود اعانه مدرسه آلمانی ۱۲۰۰ تومان و بعد در جمع کل بودجه وزارت معارف که حالا ۴۴۶۲۳۲ تومان است مبلغ ۱۲۰۰

که بیشتر معلمین باشم پیشنهاد کردم بر گردد و به کمیسیون تجدید نظری بشود و يك مجله ای که بنده در جلسه گذشته در نظر گرفته ام در آنجا تبادل افکار شود و تجدید نظری بشود شاید اضافاتی منظور خواهد شد و مقصود آقایان بعمل خواهد آمد

**مخبر** - بنده از طرف کمیسیون آقای تدین را متذکر می کنم که بر کشتن بکمیسیون اگر از نقطه نظر اضافاتی است که فرمودند لازم برامجه به کمیسیون نیست و هر وقت يك لایحه جدیدی پیشنهاد فرمودند ممکن است آن لایحه را تصویب بکنیم

**رئیس** - آقای ملک الشعراء ( اجازه )

**ملک الشعراء** - بنده موافقم و گمان می کنم راجع ببودجه معارف بهتر این است همه آقایان رای بدهند و از مجلس با اتفاق بگذرد بنده خودم و جمعی را می بینم که رای بخوانند داد بنابراین بنده با پیشنهاد آقای تدین موافقم و حالا که چند روز بتعویق افتاده میی نخواهد داشت که در روز دیگر هم بتأخیر بیفتد که نظر آقایان مخالفین هم اجرا شود و محللهائی که در نظر گرفته شده معین شود شاید آقایان بتوانند توافق نظر حاصل کنند و بهتر خواهد بود که چند روز دیگر هم بتعویق بیفتد و اصراری نداشته باشند که بطور تزلزل و اضطرار در این ماده رای گرفته شود و اگر با اتفاق رای بدهند بهتر است از اینکه بطور تزلزل رای داده شود

**رئیس** - رای می گیریم در راجع این ماده بکمیسیون آقایانیکه تصویب می کنند این ماده بکمیسیون ارجاع شود قیام فرمائید

عهه قلیلی قیام نمودند

**رئیس** - تصویب نشد در سایر پیشنهاد ها باید رای بگیریم گمان می کنم در این پیشنهاد نشود رای گرفت قرائت می شود و ملاحظه خواهید فرمود .

(پیشنهاد آقای مستشار السلطنه راجع بکس حقوق معلمین اروپائی برای مضارچ یکنفر سرپرست مجدداً قرائت شد)

**مستشار السلطنه** - عرض اصلی همان است که چون موافق نظامنامه داخلی نمیتوانیم چیزی علاوه بر بودجه پیشنهاد نمایم و از طرف دیگر وجود يك سرپرست مجری را برای اطفاالی که از ایران بارویا میروند لازم می دانم لذا پیشنهاد می کنم از این مبلغ بیست و دو هزار تومان که برای معلمین اروپائی تخصیص داده شده بقدر حقوق یکنفر سرپرست برای محصلین ایرانی در اروپا کسر نمایند و اگر دولت و مجلس این نظریه بنده را نظر صائب بدانند و برای مواظبت در تحصیل و اخلاق محصلین ایرانی یکنفر سرپرست را لازم بدانند گمان می کنم معلمی بهتر از این محل بالفعل موجود نباشد

**محمد هاشم میرزا** - اجازه می فرمائید

**رئیس** - بفرمائید

**محمد هاشم میرزا** - موافق آنچ در کمیسیون بودجه مذاکره شد حقوق معلمین اروپائی بموجب کتبرات پرداخت میشود و چون هنوز موقتی آن کتبرات مقتضی نشده بود لذا ما انتر استیم از حقوق آنها چیزی کسر نمائیم ولی در بقیه فرمایشات آقای مستشار السلطنه راجع بر سرپرست بنده موافقم

**رئیس** - چون وقتی آقایان رای بيك ماده می دهند دولت مجاز است در حدود آن ماده مضارچی نماید و بر فرض که از مبلغ این ماده کسر نشود دولت مجبور نیست آن مبلغ را برای يك نفر سرپرست معین نماید بنابراین اگر از مبلغ این ماده کسر شود باید آن کسر را برای مضارچ يك نفر سرپرست بترتیب یکماده الحاقیه برابورت کمیسیون پیشنهاد نمایند که ضمیمه شود باین پیشنهاد حالیه نمیشود رای گرفت (پیشنهاد ثانوی آقای مستشار السلطنه بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورایی

این بنده پیشنهاد مینمایم که از مبلغ دوازده هزار و دوست و هشتاد تومان وجه اعتباریه وزارت معارف مبلغ ده هزار تومان باعتبار مدارس ولایات افزوده و برای محل اعتبارات وزارت معارف دو هزار و دوست و هشتاد تومان کافی است

**رئیس** - این پیشنهاد هم همان حال را دارد .

**مستشار السلطنه** - توضیحی دارم اجازه میفرمائید

**رئیس** - بفرمائید

**مستشار السلطنه** - بنده می بینم برای معارف ایالاتی که هر کدام چندین مدرسه دارد نمایندند آقای نطق زبیر دست آنجا هر کسندام در موضوع معارف محل خودشان اظهارات بلغی فرمودند اعتباراتی مزید کردند ولی در بروجرد و لرستان که اهالی آنجا در فظان و هوش از سایر اهالی مملکت کمتر نبود بلکه پیشقدمتر و قابل هم قسم تقدیر آقایان نمایندگان هستند ابداً این قبیل تأسیسات نبوده بلکه وجوهی که از مؤدیان مالیاتی آنجا گرفته میشود به طهران آورده و بصرف معارف طهران مهترسانند چون بنده بازم مطابق نظامنامه داخلی نمی توانم از صندوق دولت چیزی برای معارف آنجا پیشنهاد نمایم لذا بنده پیشنهاد میکنم که از دوازده هزار و دوست و هشتاد تومانی که بعنوان اعتبار در بودجه معارف منظور شده مبلغ ده هزار تومان آن ببودجه مدارس ولایات افزوده شود برای اینکه این اعتبار مصارف معینی ندارد و اگر مبلغی از آن کسر بنمایند ضرری نخواهد داشت ولی باز هم عرض میکنم اگر چنانچه آقای وزیر معارف برای تأسیس يکی دومدرسه در بروجرد و لرستان محل ثابت در نظر گرفتند بنده این پیشنهاد خود را مسترد میدارم

**رئیس** - در اصل مطلب حرفی نیست ولی يك طریق قانونی برای رای گرفتن در این قبیل پیشنهادها در نظر بگیریم بعد پیشنهاد نمائید

**مستشار السلطنه** - مسترد مینمایم .

**رئیس** - آقای آقا میرزا سید حسن کاشانی عضو کمیسیون هستند ؟

**آقا میرزا سید حسن** - خیر

**رئیس** - پس جنابعالی حق نطق ندارید در پیشنهادها فقط امضاء کمیسیون میتواند مذاکره نمایند پیشنهاد آقای سلطان العلماء قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد میکنم خرواری يك فران و تومانی دوست دینار اضافه مالیات را با صد يك از مصارف و حقوق که تخصیص معارف داده شده و در جمع بیچی نیل هم نبود همانها را تخصیص ولایات بدهند که کمکی باشد همین میزان و مبلغ هم در ولایات از اضافه مالیات گرفته میشود

**رئیس** - این هم مثل آن پیشنهادات قبل است آقای معدهاشم میرزا ( اجازه )

**محمد هاشم میرزا** - چون لایحه اخذ این مالیات از طرف دولت پیشنهاد نشده گمان می کنم رای دادن باین پیشنهاد مورد نداشته باشد

**رئیس** - پیشنهاد دیگری از طرف آقای سلیمان میرزا و بعضی آقایان دیگر رسیده قرائت می شود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ما امضاء کنندگان پیشنهاد میکنم که آنچه بعنوان معارف گرفته میشود مطابق ماده سیزده عایدات مملکتی هر قدر باشد خارج از این اعتبار بصرف معارف همان محل برسد

**رئیس** - این پیشنهاد هم حکم پیشنهاد قبل را دارد فقط راهی که این پیشنهادات دارد این است که بطور ماده الحاقیه اضافه شود حالا باید به اصل ماده رأی بگیریم

**مخبر** - قبل از اینکه در این ماده رای گرفته شود لازم است يك اصلاحی در این ماده بشود همانطور که در جلسه قبل توضیح دادم در موقتی که هیئت دولت برای اعانه مدارس خارجه طهران ۱۶۶۶۰ تومان پیشنهاد نموده کمیسیون بودجه بتصور اینکه مدرسه آلمانی تأسیس نخواهد شد ۱۲۰۰ تومان اعانه آن مدرسه را از بودجه کسر نمود ولی بعد از آنکه تحقیقات بعمل آمد معلوم شد این مدرسه خیلی زود تأسیس خواهد شد بر حسب پیشنهاد آقای رئیس الوزرا برای اینکه مجدداً در موقتی تأسیس مدرسه استیندان پرداخت این مبلغ بمجلس مراجعه نشود امضاء کمیسیون امروز صبح تصویب نمودند که مجدداً مبلغ ۱۲۰۰ تومان بر بودجه معارف علاوه گردد تا موقتی که مدرسه مفتوح میشود دولت بتواند اعانه آنجا را بپردازد لهذا لازم است این مبلغ جزء اعانه مدارس خارجه طهران اضافه شود و نوشته شود اعانه مدرسه آلمانی ۱۲۰۰ تومان و بعد در جمع کل بودجه وزارت معارف که حالا ۴۴۶۲۳۲ تومان است مبلغ ۱۲۰۰

که اضافه شود مبلغ ۴۵۵۶۲۳ تومان بشود و باید باین مبلغ رأی گرفته شود  
رئیس - پیشنهاد دیگری است از طرف آقای مستشار السلطنه قرائت میشود  
(مضمون ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد می نمایم که برای يك نفر سرپرست که مأمور نظارت ایرانیان معصلین در خارج باشد تعیین فرمائید  
رئیس - آقای مستشار السلطنه توضیحی دارید؟

**مستشار السلطنه** - در عبارت پیشنهاد کلمه ( ماده واحده ) از قلم افتاده است مقصود این است که ترتیب ماده واحده يك مبلغی برای مخارج يك نفر سرپرست برای نظارت در اخلاق و تحصیل معصلین ایرانی در اروپا بر بودجه معارف اضافه و تصویب گردد تا این نظریه بنده اجرا شده باشد

**رئیس** - نیشود اضافه بر پیشنهاد دولت چیزی پیشنهاد فرمائید فقط مطابق ماده ( ۶۵ ) نظامنامه داخلی می توانید يك مبلغی از این وجهی گذار بودجه نوشته شده کسر نموده و برای يك نفر سرپرست تخصیص داده و این مبلغ را بشکل ماده العاقبه پیشنهاد نمائید

**مستشار السلطنه** - این سرپرست را ماهی صد تومان یعنی در سال ۱۲۰۰ تومان میشود انتخاب نمود و ممکن است این مبلغ از ۱۲۲۸۵ تومان اعتبار وزارت معارف کسر شده و برای يك نفر سرپرست کنهات لزوم را دارد معین نمود و گمان میکنم اغلب آقایان هم باینده موافقت نمایند

**رئیس** - پیشنهاد آقای مستشار السلطنه این است که از این وجهی که کمیسیون برای اعتبار وزارت معارف تخصیص داده مبلغ ۱۲۰۰ تومان کسر نموده و برای يك نفر سرپرست تخصیص داده شود  
**مخیر** - آقای مستشار السلطنه مسبوق نیستند که این اعتبار يك مخارج معینی دارد که بایستی بآن مصارف برسد

اگر اجازه فرمائید بنده صورت جزو آنرا می خوانم قیمت جایزه و کتاب برای مدارس در موقع امتحانات ۴۰۰ تومان جهت تأسیس دارالمعلمات ۲۴۰ تومان اعتبار خرید کتب ۱۲۰۰ تومان اعتبار سوخت دارالفنون ۶۲۰ تومان باین ترتیب بنده نمیدانم در کدام يك از این مخارج میتوان کسر نمود تا به مصرف سرپرست برساند

**رئیس** - بنابراین این پیشنهاد میماند  
**مستشار السلطنه** - اجازه میفرمائید  
**رئیس** - بفرمائید

**مستشار السلطنه** - بنده خیلی تعجب میکنم باین پیشنهاد بنده را تصدیق و یاردمیکنید اگر کرد می کنید بفرمائید قابل توجه نیست و اگر تصدیق میکنید این اعتبار ۱۲۰۰ تومان را قبول فرمائید  
**مخیر** - ممکن است يك پیشنهادی بالاتفاق طرف تصدیق عموم نمایندگان باشد ولی در يك موقع مخصوص مورد نداشته باشد

**رئیس** - آقای حائریزاده ( اجازه )

حائریزاده - بنده پیشنهاد کردم این ماده تجزیه شود و جزء بجزء رأی گرفته شود چون ماده ( ۹۹ ) نظامنامه داخلی می گوید بتقاضای يك نفر نماینده ممکن است در يك ماده جزء بجزء رأی گرفته شود

**رئیس** - بعد از تجزیه چه میشود؟  
حائریزاده - چون در بعضی از اجزای این ماده بعضی از نمایندگان مخالفت دارند لذا اگر جزء بجزء رأی گرفته شود بعضی از مواد آن بکمیسیون بر میگردد و شاید در کمیسیون مصالح و ولایات هم در نظر گرفته شود

**رئیس** - بچند قسمت میفرمائید تجزیه کنیم  
حائریزاده - بردوازه قسمت تجزیه نمائیم  
**رئیس** - ایراد جناب عالی راجع بحکام جزء است؟

حائریزاده - بنده راجع بابالات و ولایات عرض دارم که اگر آقایان و مخیر کمیسیون موافقت فرمائید بودجه معارف ولایات برگردد بکمیسیون و در آنجا اقدامی بشود  
**رئیس** - اگر ایراد جناب عالی راجع به بودجه ایالات است پس باید پیشنهاد کنید که ۱۴۸۴۴۰ تومان از جمع کل بودجه معارف موضوع کنیم یعنی دو قسمت نمائیم در قسمت اول رأی بگیریم و بعد در قسمت بودجه ایالات و ولایات همینطور است

حائریزاده - چون مجلس رأی نداد که کلیه راپورت برگردد بکمیسیون لذا چون بعضی از مواد زیاد است و ممکن است از آنها کسر گردد و کلیه آن کسر یارار بر بودجه ایالات اضافه نمود باین مناسبت پیشنهاد نمود این ماده تجزیه شود

**رئیس** - بالاخره سؤال می کنم که چند قسمت باید بشود؟

حائریزاده - ۱۲ قسمت  
**رئیس** - بسیار خوب این ماده بردوازه قسمت منقسم می شود آقایانی که قسمت اول را تصویب میکنند قیام فرمائید  
( اکثر نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد آقایانیکه جزء دوم را تصویب میکنند قیام فرمائید  
( اغلب نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد آقایانیکه قسمت سوم را تصویب میکنند قیام فرمائید  
( اکثر نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد آقایانیکه قسمت چهارم را تصویب میکنند قیام فرمائید  
( غالباً قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد آقایانیکه جزء پنجم را تصویب میکنند قیام فرمائید  
اکثر قیام نمودند

**رئیس** - تصویب شد آقایانیکه جزء ششم را تصویب میکنند قیام نمایند  
غالب نمایندگان قیام نمودند

**رئیس** - تصویب شد نمایندگان که جزء هفتم را تصویب میکنند قیام فرمائید  
( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد آقایانیکه جزء هشتم را تصویب فرمائید  
( بیشتر نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد جزء نهم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمائید  
( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد جزء دهم اگر طرف توجه است قیام فرمائید  
( اکثر قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد جزء یازدهم را اگر تصویب میکنند قیام فرمائید

اغلب قیام نمودند  
**رئیس** - تصویب شد آقایانیکه جزء دوازدهم را تصویب میکنند قیام فرمائید  
( اغلب نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد باید رأی بگیریم به کلیه ماده .

**مخیر** - موافق تصویب سابق کمیسیون بودجه بودجه معارف عبارت بود از پانصد و نود و دو هزار و دویست و شصت و سه تومان و پس از اضافه نمودن ۱۲ هزار تومان اعتبار برای اعانه مدرسه آلمانی بودجه معارف بالغ بر ششصد و چهار هزار و دویست و شصت و سه تومان میشود و بایستی این مبلغ دوازده هزار تومان را تصویب و علاوه نموده بعد بمبلغ اخیر رأی گرفته شود

**رئیس** - آقای مستشار السلطنه ( اجازه )

**مستشار السلطنه** - بنده در خصوص مدرسه آلمانی و کلیه مدارس اروپائی که در طهران و در ولایات اداره میشود با آقای وزیر معارف هم عرض کرده ام که این مساعدت با آنها يك نوع مساعدتی است که از طرف دولت و ملت ایران بمدارس خارج میشود ولی این مساعدت در صورتی از طرف دولت و ملت ایران بمدارس خارج که مطیع پروگرام وزارت معارف باشند والا اگر مطیع پروگرام وزارت معارف نباشند بنده مساعدت با آنها را تصویب نخواهم کرد

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله ( اجازه )

**حاج شیخ اسدالله** - راجع بمدرسه که جدیداً باسم مدرسه آلمانی در طهران تأسیس میشود تأسیس آن در تحت يك قرارداد رسمی است که دولت برای تأسیس يك مدرسه صنعتی در طهران نموده است و ممکن است اولین مدرسه صنعتی در ایران باشد باین جهت توجه نمایندگان را باین اعتبار جلب می کنم و عرض می کنم مخصوصاً این اعتبار برای منفعت عامه خواهد بود

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست؟  
**مستشار السلطنه** - توضیحی دارم  
**رئیس** - بفرمائید

**مستشار السلطنه** - بنده منکر مدرسه صنعتی نیستم بلکه مدرسه صنعتی را در ایران لازم میدانم و عرض کردم بایستی مطابق پروگرام وزارت معارف اداره شود

**رئیس** - رأی بگیریم بدوازده هزار تومان اعتبار برای اعانه مدرسه آلمانی که در حقیقت جزء سیزدهم پیشنهادی کمیسیون بودجه میشود آقایانیکه جزء سیزدهم را تصویب میکنند قیام فرمائید  
( اکثر نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد رأی بگیریم بکلیه ماده یعنی بمبلغ ششصد و چهار هزار و دویست و شصت و سه تومان برای بودجه وزارت معارف آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمائید  
( اکثر نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد لایحه پیشنهادی وزارت عدلیه مطرح است قرائت و بعد در آن مذاکره میشود

( لایحه پیشنهادی وزارت عدلیه مضمون ذیل قرائت شد )

نظر باینکه یکی از مسائل موثره احتیاج قوه قضائیه تدوین قوانین لازمه و تکمیل قوانین موجوده است و اگر مبنای قوانین موضوعه منحصراً امیدواری به حصول نتایج حسنه نبوده بلکه تجربه و عمل باشد مسلماً کاملتر و عاری از مشکلاتی که در ضمن اجراء پیش می آید خواهد بود و نتایج منظوره قطعی تر تأمین می گردد علی الخصوص که لزوم فوری تهیه و اصلاح قوانین بر نمایندگان محترم مستور نبوده و همه میدانند که رساندن قوانینی که در نظر است بتصویب مجلس شورای ملی مستلزم مدت زیادی وقت است لهذا مطابق سابقه و عملی که در دوره سوم و دوم تقنینیه مجلس شورای ملی شده است ماده ذیل برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود

ماده اول - به وزیر مالیه اجازه داده میشود که کلیه قوانینی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود بعد از تصویب کمیسیون عدلیه بمجلس شورای ملی موقتاً بموقع اجراء گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل و تکمیل نواقص ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید

ماده دوم - این اجازه شامل قوانینی است که از تاریخ تصویب این لایحه تا ششم از طرف وزیر عدلیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود

**رئیس** - مذاکرات در کلیات است  
**شیخ الاسلام اصفهانی** - بنده اجازه خواستام بحق تقدم دارم  
**رئیس** - از کجا معلوم است حق تقدم دارید  
**شیخ الاسلام اصفهانی** - آقای معتمد الملک

یقیناً نوشته و میدانند  
**رئیس** - مخالف هستید؟

**شیخ الاسلام اصفهانی** - بلی  
**رئیس** - بفرمائید

**شیخ الاسلام اصفهانی** - بنده اولاً خداوند را بشهادت میطلبم که در عرایض خود هیچ منظور و مقصودی ندارم

**حاج شیخ اسدالله** - هیچکدام نداریم  
**شیخ الاسلام اصفهانی** - من راضی نیستم

عرایض بنده ولو يك کلمه هم باشد باحدی بر بخورد و در عرایض خود ابتدا نظر حجب و بغض شخصی نیست کار باحدی ندارم فقط این مختصراً که عرض خواهم کرد تکلیف امانتی خود میدانم خواه اثر بکنند خواه نکنند بنده سالهاست خدمت حضرت اشرف آقای مشیرالدوله رئیس الوزرا را ازاد داشته و دارم و هر وقت زمامداری مملکت بعهده ایشان واگذار شده است در اصفهان هم که بودم باندازه مقدور تأیید در اجراء احکام دولت نمودم در این مدت هم که در طهران بودم با اینکه بکفایت و کاردانی آقای قوام السلطنه معتقد بوده و هستم همیشه ارادتمند بودم که زمامداری در عهده آقای مشیرالدوله برقرار باشد تا اینکه کابینه سابق سقوط کرد بعد از طی ترتیبات و دلائلی که همه میدانیم آقای مشیرالدوله قبول زمامداری را فرمودند از آن ساعتی که ایشان قبول زمامداری فرمودند تا ساعتی که کابینه خودشان را در مجلس شورای ملی معرفی فرمودند تقریباً چهل و شش ساعت طول کشید و در طرف این جهت و شش ساعت بنده از چند نفر دوستان خود شنیدم که آقای مشیرالدوله در نظر دارند سردار معظم خراسانی را برای وزارت عدلیه انتخاب نمایند بنده با آن تفصیلی که همه بودیم و خود آقای مشیرالدوله هم بسمت و کالت در مجلس تشریف داشتند در موقعیکه پرگرام دولت سابق مطرح بود هنگامی که مذاکره از قوه قضائیه و اصلاحات آن شد آقای سردار معظم اجازه خواستند و اظهار نمودند که من هیچ قسم ربط و اطلاعی از امور عدلیه ندارم فقط می شنوم اشخاصی که با عدلیه سروکار دارند از بطوه جریان امور شکایت دارند باین نظریه بود که بنده این اظهار را قبول نمی نمودم تا اینکه آقای مشیرالدوله بمجلس تشریف آوردند کابینه خودشان را معرفی نمودند دیدم سردار معظم را هم بسمت وزارت عدلیه معرفی فرمودند بعد که مجلس مقتضی شد و از پارلمان خارج شدیم بعضی از رفقا اظهار داشتند که آقای مشیرالدوله در نظر دارند از مجلس تقاضا نمایند که يك اختیاراتی بکمیسیون عدلیه بدهند که پس از اینکه قوانین جزائی و ثبت اسناد و غیره از کمیسیون گذشت بموقع اجراء گذارند

بنده همانوقت مطلب را حس کردم که منظور آقای مشیرالدوله این بوده است که قوانین مهم مملکت راجع بقوه قضائیه را که از مجلس بکمیسیون عدلیه میرود با خشونت و سماجتی که سردار معظم در کارها دارند این قوانین را در کمیسیون عدلیه با آقایان

و کلاه بقبولانند

**نصرت الدوله** - خارج از موضوع است این حرفها کدام است داخل در شخصیات میشوند  
**شیخ الاسلام** - خیر داخل در موضوع است شما میخواهید تمام قوانین مهم را ببرید پشت پرده  
( از طرف نمایندگان خارج از موضوع است )

**رئیس** - ( خطاب بشیخ الاسلام ) از روی نزاکت حرف بزنید  
**نصرت الدوله** - خوب بود اول قسم یاد میکردید

**آقاسید یعقوب** - خوب است بموجب قانون اساسی اول قسم بخورید

**شیخ الاسلام** - بنده باین صداها از میدان در نمیروم. قانون عدلیه را نیشود از تحت نظر چند نفر گذرانند و بعد بموقع اجراء گذارند ما وکیل مردم هستیم قیم مردم نیستیم ما شاید مطابق میل و عقاید خودمان

**رئیس** - مطالبتان را بفرمائید ولی مؤدبانه و خارج از نزاکت نشوید

**شیخ الاسلام** - بنده اولاً این لایحه را بر خلاف قانون اساسی یا متمم آن میدانم اصل ( ۲۷ ) قانون اساسی قوای مملکتی را به سه قسمت تجزیه نموده و می نویسد قوای مملکت به سه شعبه تجزیه میشود اول تقنینیه که مخصوص است بوضع و تهنید قوانین و این قوه ناشی میشود از اهلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر يك از سه منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت باموازین شرعی و تصویب مجلسین و توشیح بصفحه همایونی لیکن وضع و تصویب قوانین راجع بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است شرح و تفصیل قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است دوم قوه قضائیه و کلمه که عبارت از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است بمعناکم شرعیه در شرعیات و بمعناکم عدلیه در عرفیات سیم قوه اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین واحکام بتوسط وزراء و مأمورین دولت بنام نامی اهلیحضرت همایونی اجراء می شود ترتیبی که قانون معین میکند مقصود از این اصل ترتیب وضع قوانین است قانون اول باید از طرف وزراء بشکل لایحه دولت یا از طرف و کلاً بعنوان طرح قانون تقدیم مجلس بشود بعد آن لایحه یا طرح قانونی طرح و توزیع می شود از مجلس منکس بجرایب می شود و همه مردم مطلع میشوند پس از آن تازه به کمیسیون مربوطه رجوع میشود بعد از شورده کمیسیون دوباره مراجعت بمجلس می نماید پس از شور اول و ثانی و مذاکرات لازمه و تصویب مجلس بصفحه اهلیحضرت همایونی رسیده پس از طی این مقدمات صورت قانونیت پیدا کرده و بموقع اجراء گذارده میشود ماها وکیل هستیم بماو کالت داده اند که در مجلس حاضر شده و هر کدام عقیده خود را در هر يك از مواد قانون اظهار نمائیم ما وکیل در تو کهل نیستیم که يك چند نفر را معین

کنیم که بروند پشت پرده و زیرجلگی قوانین وضع کننده و اجراء نمایند آنوقت بعدها یکی یکی کتابچه هائی در دست مردم ببینیم و بگویند این قوانین مجلس شورای ملی است این قسم کسی باوکالت نداده است ممکن است که به بنده ایراد بفرمائید که این لایحه را درست نخوانده اند یا برآوردن آنرا مستلزم است وضع کنیم بلکه می خواهیم قوانین را امتحان کنیم و بعد از آزمایش مجلس خواهیم آورد بنده عرض میکنم این قسم نمی شود این مطلب برخلاف قانون اساسی است اگر بگوئیم اغفال است شاید مورد حمله بشویم لذا عرض می کنم این یک نوع طفره است

میرزا محمد نجات - اینکه میفرمائید مخالف قانون اساسی است کجا است ؟  
شیخ الاسلام - ما که مباحثه بین الانجمن نداریم اگر بنا باشد من حرف نزوم خوب است بکنم بکش- خدمت بیاید و مرا از اطراف خارج نماید والا با هم خارج از نزاکت که نمیشود عقیده و آکلی را نقید کرده و بوقیل حمله نمود.

رئیس - آیا اینکه جناب عالی گفتید وزیر عدلیه سمج است و خشونت دارد خاراج از نزاکت نیست ؟

شیخ الاسلام - حالا اگر حضرت تعالی میفرمائید دیگر حرف نزوم منم حرف نیز نم

رئیس - پس چرا می فرمائید حمله بیجهت بشما می کنند چون خاراج از نزاکت صحبت کردید لازم بود بشما بگویم

شیخ الاسلام - بنده نه آرزو مندم زیاد حرف بزوم و نه خیال دارم بر بگویم و مردم را خسته کنم بنده مطابق دیانت و وظیفه خود مجبورم عرایض خودم را بکنم می خواهد کسی بشنود نمی خواهد نشنود

رئیس - شما میفرمائید باسم مردم نزاکت بشما از اطراف حمله می شود مقصودتان از این عبارت چیست ؟

شیخ الاسلام - بنده اول هم قسم خودم مقصودی ندارم .

رئیس - پس مقصود شما از حمله چه بود غیر از من که کسی بشما نکفت از نزاکت خاراج نشوید من هم مکلفم موافق نظامنامه عمل کنم و حق دارم در این مورد از شما مؤاخذه نمایم.

شیخ الاسلام - حضرت تعالی هر چه میخواهید بفرمائید و من کمال افتخار را دارم که حضرت تعالی جوب هم بر سر من بزنید ولی سایرین چه میگویند و چرا چهل نفر یکدفعه حمله می نمایند؟

رئیس - بسیار خوب مطالبتان را بفرمائید  
شیخ الاسلام - عرض میشود قانون حقوقی عدلیه دوازده سال قبل از این از کمیسیون بوزارت عدلیه مراجعه شده که برآز آزمایش و تج به مراجعت دهند و هنوز برنگشته و قانون معاکمات جزائی دوازده سال قبل از این در خاراج مجلس شورای ملی در تحت نظر یک عده از کلا تدوین و برای آزمایش بوزارت عدلیه مراجعه شده و هنوز برنگشته قانون ثبت اسناد دوازده سال است از مجلس گذشته است و بوزارت عدلیه

مراجعه شده همینطور قانون جزای عرفی و تمام علاقمندان بدیانت اسلامی را مصیبتی کرده و اینهمه در اطلاق تنفس روی میز از این شکایت نامه هائی که از این قانون از ایالات و ولایات میشود پراشده و خالی میشود و اگر کمیسیون معترم عرایض برونق ماده ۲۵ نظامنامه داخلی عمل می نمود و دو ماه بدو ماه نتیجه عرایض مردم را بمجلس شورای ملی تقدیم می نمود معلوم میشد که چقدر از ایالات و ولایات از این قانون جزای عرفی شکایات میرسد و حالا هم این قوانینی که میخواهند رجوع بکمیسیون عدلیه نمایند باین ترتیب که در خود لایحه نوشته شده و در خاراج هم تحقیقات نموده و فهمیده ام عبارة از سه قسمت است یکی همان قانون جزای عرفی است که آنهمه شکایات راجع بان میرسد و یکی هم قانون ثبت اسناد است که مترسرم بعضی چیزها بگویم خاراج از نزاکت و یکی هم منضمات قانون حقوق و جزاست در اینجا یک مطلب را عرض میکنم و آن این است که الحمدلله ما در این مملکت نزاع مذهبی با هم نداریم الحمدلله تمام اهالی این مملکت با استثناء عده قلیلی که آنها هم مطیع الاسلام هستند همه معتقد به پیغمبر آخر الزمان و قرآن میباشد از شاه تارتیس الوزراء تا رئیس مجلس و بالاخره و کلاء وزراء همه مسلمان هستند و با هم نزاع مذهبی نداریم و دلیل اینکه با اینهمه حوادث و انقلابات استقلالمان یا برجا و روز بروز رو بترقی می رود برای این است که یک عده از جرنهای ایرانی که بعضی ترتیبات اروپائی را دیده اند و با بعضی از قوانین اروپا را در ایران مجری بدارند و باین ترتیب اغلب نواقصمان را رفع میکنند ولی بعقیده بنده این مطلب اشتباه شده است منضمات اروپا نه برای خوبی و یا بدی قوانین است بلکه برای این است که قوانین در آنجا اجرا می شود و آقایان تصدیق میفرمائید که بدترین قوانین وقتی اجرا شد بهترین قوانین خواهد بود .

در صورتیکه بهترین قوانین را اگر بنویسید و کنار بگذارید هیچ فایده نخواهد داشت و اگر قانون اسلام بتمام معانی خود جاری شود نور آن تمام عالم را روشن خواهد نمود دولت افغانستان همسایه ما که دوازده کرور بیشتر جمعیت ندارد آلا ن صیت عظمت و اقتدارش در عالم پیچیده و حال اینکه در تمام مواد قانون لشگری و کشوری آن يك ماده از قانون اروپائی موجود نیست سفیر افغانستان حاضر و بنده هم حاضر میباشم هر کس مدعی است که در تمام افغانستان يك ماده از مواد قانون اروپائی معمول است از ایشان استفسار می کنم و بنده تصدیق ایشانرا قبول میکنم هزار و سیصد و چهل سال از عمر اسلام می گذرد یازده سال از این مدت طولانی خلافت با عدرا بن خطاب رضی الله عنه بوده است و بنده تحقیق کرده ام و مورخین هم تصدیق کرده اند که بهترین اوقات عظمت اسلام همان یازده سالی بوده که قانون اسلام بتمامه جاری بوده اگر غیر از این بوده يك عده هرب نمیتوانستند بهسولت هیچم را تسخیر کنند .

چون همگها گرفتار ظلم و استبداد بوده اند همان

مسئله آنها را مجبور کرد که بروند تسلیم هر چه باشند و در تحت قانون عدل در آیند میرزا غلامحسین خان رهنما که شاید اغلب از آقایان ایشانرا بشناسند سال گذشته بنده فرمودند که در یکی از مجلات که از پاریس رسیده مینویسد که قضات فرانسه در الجزایر پاریس راپورت داده اند که اگر میخواهید مملکت امن و امان باشد و ما در الجزایر راحت باشیم چون اهالی اینجا مسلمان هستند همان قوانین اسلام را بگذارید و از روی آن يك قانون نوشته برای اجرا بفرستید هم چنین بنده بتاریخ رجوع کردم دیدم هشاد و سه سال است که مملکت اسلامی در الجزایر سقوط یافته و بعد از هشاد و دو سال تجربه تازه قضات فرانسه به برتری قوانین اسلامی پی برده اند از همین فقازیه که سلطان آنرا بدترین و سخت ترین سلطنتها می دانستم بکنفر را معین کردند که برود از عامای عتبات عالیات اجازه اجتهاد گرفته و بر گردد تارتیه شیخ الاسلامی باو رجوع شده و تمام دعای مسلمانان باو رجوع شده ولی در مملکت ما یکی از قوانین جزای اسلامی را دست آویز قرارداده و اظهار میدارند که در قرن بیستم کسی دست نمی برد بنده عرض می کنم در قرن بیستم که چندین ملیون جوانهای رهنا را ساطوری بکنند و ملیونها ایند بشر را برای مظلوم کشی یا جاهانگری بی دست بی یا بی چشم یا ناقص کرده اند چه میشود اگر برای حفظ حقوق مردم چند دست بریده شود اگر در ظرف هفده سال مشروطیت دودست در همین

میدان توپخانه بریده شده بود دیگر امروز باین ترتیب به مملکت خیانت نمی کردند و اگر بعضی از آقایان ایراد نمایند که در مضمی از مالک اسلامی هم قانون اروپائی جاری است بنده عرض میکنم که آن مالک با مملکت ما فرق دارند آنها مسلمان هستند و حکومتشان حکومت اسلامی نیست در آنجا سر نیزه قانون اروپائی را مجری می دارد الحمد لله رب العالمین مملکت ما مستقل است مشروطه است تمام مردم حق دارند حرف خرد را آزادانه بگویند ما وکیل ملت هستیم و باید ببینیم تمایلات مردم چیست و مطابق آن قانون وضع مائیم تمام مقننین و علمای عالم در این مسئله متفق اند که قانون باید بر حسب اخلاق و احوال جماعت وضع شود حال اگر يك چند نفری نشستند در کمیسیون عدلیه و يك قوانین نوشتند و کتابچه ها منتشرند دند بعد از چندی مردم بصد خواهند آمد و این قانون را تکذیب می کنند و از بین خواهند برد مثل قانون زای عرفی که تمام مملکت را رنجانیده است حال اگر می گویند

فقط روحانیون این مطلب را میگویند خوب است رجوع نمایند به بیست و چند نفر از ایالات و ولات از این قانون شکایات میرسد از برای بنده که يك دسته از این شکایات آمده حالا اگر بازم در نتیجه اجرای همین قانون چهار نفر از شاهزادگان بزرگ را که باین مملکت خیانت کرده اند و این اشخاص از پول این مملکت و این ملت پارک و اتومبیل تهیه کرده اند مجازات میکردند بازم مردم میگفتند که حسن این قانون این است که همه را پای مجازات می آورد ولی برعکس فقط آنچه که ما دیدیم آفتابه دزد و بالنگ دزد در مجازات کرده اند .

حتی بنده از یکی از قضاة عدلیه پرسیدم که این قانون جزای عرفی تا چه اندازه اجرا شده جواب داد فقط اشخاصی که آفتابه یا لنگ دزدیده اند مجازات شده ولی در خانه با همه بی مرحمتی هائی که بنده شده بنده عرایض خود را نمودم و هر کس از اول این حمله باو شده بود بهیچ وجه دیگر نمیتوانست حرف بزند باری از آقای مشیرالدوله که بنده ایشانرا یکی از اشخاص بزرگ دنیا میدانم و يك روز در حضور شاهزاده سلیمان میرزا بنده فرمودند که او در حق من غلو کرده و من فائد آن نسبت هائی هستم که تو بمن میدهی خواهش میکنم که ایشان مطاع هستند تمام مردم فرمایشات ایشانرا صحیح میدانند که هیچ کس نیست که اندکی سوء ظن نسبت بایشان داشته باشد البته با این ترتیب بنده این قانون جزای عرفی و ثبت اسناد را منافی باشنونات ایشان می دانم و از ایشان استعدا میکنم که این قانون را مسترد دارند و از علما و صاحبان این فن مشورت بنمایند و البته منافی شان ایشان است که با گذراندن یک ماده از مجلس قوانین مهم را در تحت نظر سه چهار نفر تدوین و اجرا نمایند شاید ایشان بمن جواب بدهند که ما هم مسلمان هستیم و لازم نیست این همه برای اسلام سنگ بسینه بزنی بنده عرض میکنم من خاک پای شما هستم فقط بهوجب این آیه شریفه فذکر ان الذکری نفع المؤمنین چون همه مسلمان هستیم باید همه بنشینیم مذاکره کنیم ببینیم صلاح مملکت چیست ممکن است که ایراد بفرمائید که فلان و فلان در کمیسیون عدلیه عضو هستند بنده عرض میکنم نمی شود اساس کار را با اشخاص مجول نمود برای بکنفر ممکن است مرگ باشد ناخوشی باشد بلاوه چند روز دیگر از هر کمیسیون عدلیه باقی نمانده .

مانند انیم اعضا آتیه کمیسیون عدلیه چه اشخاصی باشند وجه عقابدی داشته باشند باری بنده این لایحه را منافی شئونات آقای مشیرالدوله می دانم

فتح الدوله - بنده اخطار نظامنامه دارم رئیس - بفرمائید .

رئیس الوزراء - بنده لازم میدانم چند کلمه راجع بایراداتی که آقای شیخ الاسلام فرمودند جواب عرض کنم ولی قبل از اینکه وارد ایرادات بشوم ایشان چند کلمه فرمودند که واقفاً اسباب تأثر بنده شد یکی از فرمایشاتی که فرمودند این بود که کابینه

بنده در ظرف چهل و شش ساعت تشکیل شد بنده این مسئله را خاراج از موضوع میدانم زیرا این مربوط بخود من بود و می توانستم کابینه خود را از طرف چهل و شش ساعت یا چهل و شش روز معرفی کنم این بسته به وقعت مملکت و اوضاع و احوال مملکت بود اگر ایشان میخواهند بگویند بنده بدون مطالعه کابینه خود را تشکیل دادم قویاً این مسئله را تکذیب میکنم .

شیخ الاسلام - بنده تعجب کردم رئیس الوزراء - بنده با مطالعه تمام اعضاء کابینه را انتخاب نمودم و دلیل اینکه با مطالعه وقت بود همین است وقتی که کابینه خود را بمجلس معرفی کردم ایرادی از طرف مجلس بکابینه بنده نشد از این گذشته خیلی متأسفم از اینکه نسبت بیکی از اعضاء کابینه بنده اظهاراتی فرمودند که نه شایسته خودشان بود و نه لایق آن عضو محترم و استدلالانی که میکردند این بود که ایشان در موقعی که پروگرام کابینه سابق مطرح بود اظهار داشته اند که بنده از فلان اداره اطلاع ندارم و این دلیل خود قراردادنم که با وجود اینکه این اظهار را نموده اند و گفته اند اطلاع ندارم حالا وزیر یا رئیس آن اداره شده اند بنده هیچ تناسب منطقی در این حرف نمی بینم زیرا ممکن است در يك موقعی شخص اطلاع از کار هائی نداشته باشد ولی بعد وقتی که داخل شد البته اطلاعات لازم پیدا می کنند مخصوصاً اگر بنده آقای سردار معظم را برای وزارت عدلیه معین کردم دلیلش این بود که ایشان در ادوار گذشته در مجلس بوده اند یعنی درجائیکه تمام قوانین از آنجا میگردد از طرف دیگر چون عدلیه يك اداره قانونی است و چنانچه مکرر عرض کرده ام از وقتی که شخص داخل عدلیه می شود تا موقعی که مراجعت می کند تمام صحبت قانون است و جز این چیزی استماع نمی کند و نظر باینکه آقای سردار معظم در این ادوار در کمیسیونهای مختلف بوده و از مجاری قانون و اطلاعات کافی و کاملی دارند و در واقع وزیر اینکار بوده اند از این جهت ایشانرا بوزارت عدلیه منصوب کردم و گمان می کنم برای اینکار هم خیلی متأسفند بعضی مطالب دیگری هم فرمودند که حالا بنده وارد این مطالب نمی شوم زیرا آقای رئیس خودشان جلو گیری فرمودند .

اما در باب اصل مسئله که لایحه پیشنهادی باشد اولاً باید عرض کنم که مقصود از پیشنهاد این لایحه چه برده با مطالعاتی که در این چند روز هیئت دولت راجع باصلاحات ادارات مخصوصاً دوائر عدلیه کرده بالاخره اینطور تصور نمودند که اصلاحات لازمی برای دوائر عدلیه لازم است و باید بتدریج اجرا شود از طرفی بتجربه رسیده شکایاتی که از عدلیه می شود يك قسمت مهم آن راجع بنواقص قانون است و از طرف دیگر معلوم است مجلس شورای ملی که حق الواقع مرکز ثقل مملکت است اشتیاقات زیادی دارد و می تواند تمام وقت خود را با صرف گذاردن قوانین عدلیه

بنده مافکر کردیم که بین این دو نظر نظر ثالثی اتخاذ کنیم که هم مقصود بعمل آمده باشد و هم مجلس از کار خود بازمانده باشد چنانچه در دوره دوم هم این مسئله سابقه داشته همچو مقتضی دیدیم قوانینی که برای عدلیه اعلی درجه ضرورت را دارد بمجلس پیشنهاد کنیم که بکمیسیون عدلیه ارجاع شود و در این جا مذاقه لازمه شده بعد از اینکه از کمیسیون گذشت بطرز آزمایش و تجربه بموقع عمل گذارده شود که در ضمن عمل رفع معایب آن بشود و وقتی بمجلس می آید و می گذرد بی عیب و منتقص باشد که در موقع اجرا دچار اشکال نشود بنده ایرادات آقای شیخ الاسلام را بهیچ وجه وارد نمی بینم چون در قانون اساسی بنده چنین چیزی نمی بینم که مانع این فکر هیئت وزراء و این پیشنهاد باشد زیرا کمیسیون عدلیه خودش يك قسمتی از مجلس شورای ملی است

دیگر اینکه آقایان بدانند که این قوانینی که از کمیسیون میگردد وقتی است و دائمی نیست و قانون دائمی باید از آن طرف مستلک قوانین اسلامی شدند و شرحی ایراد فرمودند البته بنده در تفصیص ایشان بقوانین اسلامی حرفی ندارم ولی عرض میکنم مگر کمیسیون عدلیه مرکب نخواهد بود از اشخاصی که کاملاً مطلع باشند ؟ و فرضاً اگر تمام اعضاء کمیسیون مطلع نباشند لا اقل اکثریت آن بصیرت کامل از قوانین اسلامی خواهند داشت و ممکن نیست از کمیسیون و مجلس قانونی بگذرد که مخالف با قوانین اسلامی باشد در باب قانون جزای عرفی مطالبی فرمودند البته در موقعی که ممکن باشد قانون جزای عرفی بمجلس پیشنهاد خواهد شد ولی آلا ن خیال نداریم قانون جزای عرفی را بکمیسیون عدلیه ببریم زیرا چیزهای لازمتر و قوانین ضروری تر در پیش داریم که آنها را بدو ارجاع بکمیسیون نمایم و در خود عدلیه مطالعاتی در خصوص قانون جزای عرفی میشود و بعد بمجلس پیشنهاد خواهد شد ولی این قوانینی که عجاتاً پیشنهاد شده بکمیسیون عدلیه میرود قوانینی است که از نقطه نظر اصلاح عدلیه نهایت درجه لزوم و اهمیت را دارد از قبیل قانون ثبت اسناد و غیره که هر يك در موقع خود بعرض مجلس خواهد رسید و برای اینکه خاطر آقایان را از هر جهه مطمئن نموده باشم در پایان عرایض خود عرض می کنم که ممکن است اعضاء عدلیه را در این موقع زیاد کند که این نگرانی هم در بین نباشد مثلاً حالا اگر کمیسیون عدلیه هشت نفر عضو دارد می توانند دوازده نفر یا بیشتر انتخاب کنند تا کاملاً آقایان اطمینان داشته باشند

رئیس - (خطاب بآقای فتح الدوله) اخطار نظامنامه تان را بفرمائید  
فتح الدوله - ماده سی ام را اجازه میفرمائید بخوانم  
رئیس - قرائت فرمائید  
فتح الدوله - ماده سی ام نظامنامه داخلی مینویسد اویج مذکوره که طبع و توزیع خواهد شد باشد دارای مقدمه باشد که متضمن دلایل آن

است لوائح بتوسط رئیس مجلس شعبه‌ها یا چنانکه در ماده ۲۴ ذکر شد بکمیسیون موجود فرستاده می‌شود که پس از راپورت آن کمیسیون لایحه قانونی در مجلس مطرح شود

در این لایحه که از وزارت عدلیه پیشنهاد شده است و باید قبلاً برود بکمیسیون عدلیه و بمجلس راپورت دهند

**رئیس -** اولاً این لایحه قانونی نیست و مثل همان پیشنهاداتی است که سابقاً بمجلس می‌شد مثل پیشنهاد تجدید نظر در قانون انتخابات و غیره و این پیشنهادی است که لازم بود شور هم نیست احتیاطاً بنده عرض کردم شور در کلیات است برای اینکه بیشتر بتواند در این موضوع حرف زنید بعلاوه در جلسه قبل که بنده عرض کردم در دستور مجلس خواهد بود اگر اعتراضی داشتید در آن جلسه باید اظهار کرده باشید

**فتح الدوله -** بنده حاضر نیستم  
**رئیس -** حالا هم موقعش نگذشته در ضمن مذاکرات کلیات ممکن است اظهار بفرمائید اگر آقایان موافق باشند که این لایحه قانونی است و باید برود بکمیسیون ممکن است نظریه جناب عالی اجرا شود

**وزیر عدلیه -** بنده وقتی که می‌خواهم استفاده از کرسی نظریه بنام خال نه مابند برای حمله یا تنقید یا جواب که نمی‌نماید معترض اصفهانی آقای شیخ الاسلام است نه برای این باشد تا بنده نام چون بدو نیز سابقه دارم یکی اینکه من دانم نماینده معترض اصطلاحات خاص دارند که باید در اش معانی خاصی قائل شد دیگر اینکه تجربه گذشته بمن اجازه میدهد ابتداء نتیجه بگرم که تصمیمات مجلس شورای ملی متأسفانه هیچ وقت موافقت با عقیده ایشان نمی‌کرد پس با اطلاع بواقعیت این دو مسئله برای حمله و جواب گوئی ایشان بنامدم بلکه از کرسی نطق می‌خواهم دو استفاده بکنم یکی اینکه از آقای

رئیس‌الوزراء معترض خود تشکر کنم و یکی این که مسلک و مشی خود مرا مادام که وزیر عدلیه هستم به عرض برسانم اما قسمت تشکر که زبان من قاصد و عاجز است از اینکه بتوانم اظهار تشکر کنم و اما راجع به مسلک خودم در اینجا گفته شد که بگویم من در ضمن صحبت گفتم اطلاع از وزارت عدلیه ندارم راست است حالا هم تکرار می‌کنم اگر چه در این مملکت سرتاسر ملوای متخصصین دروغ هم ممکن بود ادعا کند که متخصص هستم زیرا سابقه تحصیل من و حضور من در ادارات مختلفه در مجلس بمن اجازه میداد که در قانون دانی و حقوق دانی اظهار علم کنم ولی من شکسته نفسی می‌کردم و اظهار علم نمی‌کردم ولی با هم این حال چه در آنوقت وجه حالاً که وزیر عدلیه هستم که در زنده بودن من در قانون مجال انکار نیست و این اصل پیش من معزز است که باید در

تمام مملکت قانون حکم فرما باشد و تردیدی هم نداشتیم که علاقه‌مندان با اجرای قانون ممکن است روزی طرف حملات شدید واقع شوند و من عالمأ عامداً دانسته و فهمیده خود را حاضر برای حملات کرده‌ام و در صحنه و میدان مبارزه داخل شدم و بواسطه همین حملات چند روز خودم می‌دانستم که دشمنان مودد حملات واقع خواهد شد ولی هیچ نمی‌دانستم که اولین نمایش این جناب در خود مجلس شورای ملی خواهد بود و کارهایی که در ایشدت قلیل کرده ام چه بوده قبل از من احکامی در وزارت عدلیه مترام شده بود که بواسطه بعضی ملاحظات از اجرای آن خود داری می‌شد من با اجازه از رئیس متبوع خود حکم کردم که تمام آن احکام اجرا شود و تشناتی هم حاصل شده و سابقاً هم همان آمد ولی آقای شیخ الاسلام من غیر معلوم با اجازه از رئیس معظم خود حکم کردم بهج یک از آنها ترتیب اثری داده نشود و احکام کماکان اجرا شود من موقعی که وارد عدلیه شدم دردم دوسه هائی از قضاة بدکار از قضاتی که حقوق مردم را باطل کرده وزیر را گذارده اند جمع شده گفتم باید تمام آن دوسه ها ملاحظه شود و مجلس مشاوره عالی هفته چهار پنج روز تشکیل شود و آن قضاة بدکار را محاکمه کنند تا اینکه بدانند بدکاری مستلزم مجازات و عقوبت است من حکم کردم در مطبوعات اعلان نمودم که برای انتخاب اعضاء عدلیه مسئله امتحان اجرا شود گفتم قوانینی که یک قسمت آن فراموش شده و اعضاء عدلیه توسط سفارشات و توصیه پذیرفته میشدند در آئینه اجرا شود و سفارشات را کنار بگذارند و فقط قانون حکم فرما باشد من گفتم هر کس میخواهد داخل عدلیه شود هر کس میخواهد در عدلیه استخدام اختیار کند باید امتحان بدهد زیرا من معتقد بعلم و فضل و استحقاق قضای هستم و باید قضاة دارای معلومات کافی باشند تنها لباس و هیئت برای صلاحیت قضاوت کافی نیست من حکم کردم محاکم مجانی که برای باز کردن از سر خودشان بولایات میفرستادند و بدون اینکه فکر کنند حقوق آنها از کجا و از چه محل است موقوف شود من گفتم فقط دولت باید معاکمی داشته باشد که بتواند حقوق آنها را تأمین کند که در نتیجه قاضی از حیث حقوق محتاج پیدا کردن دعوی و مشغله برای خود نباشد زیرا وقتی که دولت حقوق او را تأمین کرد آن وقت بیچاره و از زروی عدالت میتوانم قضاوت کنم این است اقداماتی که تاکنون کرده و بعد هم برای اصلاحات خواهم کرد صریحاً عرض می‌کنم اگر مجلس شورای ملی این مسلک مرا قبول ندارد و من وزیر عدلیه غیر از این مسلک نمیتوانم باشم شان رئیس‌الوزراء و شان گذشته خود بمن اجازه نمیدهند که وزیر عدلیه غیر از این مسلک باشم و برخلاف قانون رفتار کنم این بطور مقدمه بود که عرض شد بعلاوه این را هم عرض میکنم که بدی یک وزیر ممکن است دلیل بدی یک لایحه نباشد زیرا در ذیل این لایحه قطع نظر از اینکه اعضاء مرا می‌بینند اعضاء همان کسی را که در پشت

این کرسی خطابه از او تمجید و ستایش کردید ملاحظه می‌فرمائید چه این لایحه را آقای رئیس‌الوزراء هم امضاء فرموده‌اند و انگهی زندگانی خصوصی و اخلاق شخصی من در خوبی و بدی این لایحه مؤثر نیست اما در اصل مطالب وقتی که درست مراجعه و فیکر کردم نفهمدم ایراد جناب مستطاب عالی (خطاب شیخ الاسلام) چه بود ؟ اگر ترس از این است که قوانینی که در کمیسیون عدلیه می‌گذرد و موافقت کامل با قوانین مقدس اسلامی بکنند برای رفع این نگرانی در طریق موجود است یکی اینکه اگر وجود خود حضرت تعالی این مسئله را تأمین میکنند ممکن است بنده از مجلس شورای ملی تقاضا کنم که حضرت تعالی را برای عضویت کمیسیون انتخاب کنند که این مسئله هم تأمین شده باشد و خودتان تشریف داشته باشید مسلماً با عضویت جناب عالی در کمیسیون باید امیدوار بود قوانینی که از آنجا خواهد گذشت کاملاً موافقت با قوانین شرع مقدس اسلام خواهد کرد و دیگر اینکه بطوریکه آقای رئیس‌الوزراء فرمودند چند نفر دیگر بر عده اعضاء کمیسیون افزوده شود تا عده اعضاء بدو ازده نفر بالغ بشود در این صورت باید اعتراف کرد که این دوازده نفر از علماء و وکلای کور کمیسیون عدلیه هستند لا اقل یک اطلاعات و احساسات مسلمانان دارند که قوانینی که از آنجا می‌گذرد مطابق با قوانین شرع مطهر اسلام داشته باشد و اگر فرضاً شدت جناب عالی نباشند باز علاقه‌مند هستند که قوانین موضوعه مطابق با قوانین اسلامی باشد در هر صورت هر یک از این دو نظر را اتخاذ فرمایند بنده شخصاً نهایت درجه موافقت را دارم و چون مطلب دیگری در اصل لایحه فرمودید بنده عرض دیگری نمی‌کنم

( از طرف نمایندگان اجسنت )  
**رئیس -** آقایان و حیدر الملک نصره الدوله ارباب کبیر و مخالف هستید یا موافق ؟  
**نصره الدوله -** بنده موافقم  
**رئیس -** حاج شیخ اسدالله  
**حاج شیخ اسدالله -** موافقم  
**رئیس -** آقای حائری زاده ( اجازه )

**حائری زاده -** اولاً باید فهمید که ما وکیل در تر کبیل هستیم یا خودمان مستقیماً باید در کارها دخالت کنیم گمان میکنم ما چنین حقی را نداشته باشیم مگر در اجرائیات قوانین که بهیأت دولت اجازه بدهیم و وکلین ما را در اینجا فرستاده‌اند که خودمان دخالت در امورات آنها بکنیم نه اینکه دیگری را رکیل کنیم فقط در اجرائیات میتوانیم هیئت دولت را وکیل در اجرای احکام و قوانین کرده و این امر را بآنها محول کنیم ولی در اصل قانونگذاری ما همچو وکالت نداریم که بکمیسیون عدلیه اجازه قانون نویسی بدهیم و بعد به آنها بگوئیم بدون اینکه ما نظری داشته باشیم شما خودتان قانون بنویسید و اجرا کنید قانون اساسی فقط قانونگذاری و حق مجلس شورای ملی و مجلس سنا و حق شاه قرار داده و هیچ در آنجا نوشته نشده که مجلس حق قانونگذاری را احاله بکمیسیون

بکنند که در آنجا قانون نوشته و بعد اجرا شود و دیگر ترتیبات گذشته این قوانین موقتی که از کمیسیون می‌گذرد بما حالی کرده که چندان موافق عادات و اخلاق عمومی نیست چرا ؟ بجهت اینکه از مجلس شورای ملی نگذشته و فقط نظریات خصوصی بر حسب وضع این قانون بوده است جمله دیگری که آقای وزیر نوشته اند مبنی بر اینکه این قانون قانون موقتی است بنده نمی‌فهمم غیر از قوانین دیناتی ما که قانون ابدی و جاوید است دیگر کدام قانون است که موقتی نباشد غیر از قوانین دیناتی و مذهبی یک قانونی بنده نشان بدهید که قانون ابدی باشد غیر ممکن است زیرا هر قانونی از مجلس گذشته ممکن است دوباره مجلس در او تجدید نظر کرده و معایب او را رفع و اصلاح کند پس اساساً قرآینی هم که از مجلس می‌گذرد قوانین موقتی است تنها قوانین مذهبی ما است که ابدی است تا نباشد اشاره شده که سابقاً بکمیسیون عدلیه اجازه داده شده بود

بنده قوانین دوره دوم و سوم را مراجعه کردم و همچو چیزی ندیدم که مجلس بکمیسیون عدلیه اجازه وضع قوانین و اجرای موقت آنرا داده باشد که اکنون ما به آن سابقه اعمال و تعقیب کنیم فقط قانونی که در مجلس گذشته قانون قبول و تکوین بروت بوده که بعد هم اصلاح شد یکی قانون ثبت اسناد بوده که خودشان فرمودند موقتی بوده و بنده هم معتقدم که باید تجدید نظر در آن بشود یک قانون تجارتی هم از کمیسیون عدلیه گذشته و یک شرحی آقای رئیس وزارت عدلیه نوشته اند که این قانون موقتی از کمیسیون عدلیه گذشته و برای شما فرستاده شد و مجلس بکمیسیون عدلیه خودش اجازه داده است که شما قانون بنویسید و به آقایان وزراء بدهید اجرا کنند همچو چیزها بنده در قوانین موضوعه دوره دوم و سوم ندیده‌ام که حالا سابقه شده باشد این جمله را هم متذکر می‌شوم که قانون موضوعه باید متناسب اخلاق و عادات عمومی باشد

مرام نامه قانون نمیشود مسوده قانون نمیشود در این مملکتی که بعقیده آقای تدین در هر صد نفری پنج نفر باسواد یافت نمیشود و بفرمایش آقای ملک الشعراء در هزار دو نفر باسواد ندارند این قانون بیج در بیج و این اصول محاکمات احقاق حق عمومی را نمی‌کند چرا این قوانین تا حال در مملکت عملی نشده برای اینکه از مجلس شورای ملی نگذشته و افکار عامه نمایندگان ملت در آن مدخلیت نداشته فقط افکار چند نفر که تحصیلشان در اروپای سرمایه دار بوده و باصول سرمایه داری انقیه و مسموم شده وضع قانون برای مملکت ما عملی نیست ملت ایران همانطور که آقای شیخ الاسلام فرمودند مسلمانان و مذهب ما هم اسلام است و اگر عده قلیلی در مملکت هستند که با ما هم مذهب نیستند آنها هم بواسطه نفوذ اکثریت اهالی مملکت نمی‌توانند مخالفت کنند و بطبعاً مقهور هستند

سایر قهرانی نمیتوانیم بکنیم قانون اسلام

قانون را بطور مساوات معین نموده و فرقی بین وزیر یا وکیل فقیر یا پادشاه بهیچ وجه نگذاشته و تمام را در مقابل قانون مساوی قرار داده اروپای سرمایه دار این امتیازات را بین افراد قائل نشده مملکت اسلامی که متجاوز از هزار و سیصد سال است قوانین مقدسه اسلامی را اجرا کرده سیر قهرانی نباید بکنند و نباید باصول سرمایه داری اروپا برگردد در این جا چون مذاکره از قانون جزای عرفی شد باید عرض کنم پس از اینکه بنده مراجعه باین قانون کردم دیدم مجازات را باالتساوی برای افراد قرار نداده با اینکه چنانچه عرض شد همه در مقابل قانون از شاه و گدا یکسانند معذک این قانون امتیاز را قائل شده است بنده قانونی که بین افراد و صفوف فرق بگذارد صحیح نمیدانم و عقیده دارم که قانون مطابق افکار و عایدات عمومی باید نوشته شود

بنابراین بنده صحیح نمیدانم که کمیسیون عدلیه قانون وضع کرده و حقوق عامه را تضییع کند اگر چنانچه آقای مدرس وزیر عدلیه بودند و ایشان قانونی پیشنهاد میکردند ممکن بود امروز را بسکوت گذرانید و یک چندی برای آزمایش او را به موقع اجرا گذارد ولی چون آقایان انکارشان خیلی عالی است تحصیلشان در فرنگ بوده و فراموش کرده مملکت هستند لذا عرض می‌کنم که باید قانون را مطابق اخلاق و عادات عمومی نوشت و عقیده ندارم بدست خودمان حقوق قاطبه ملت را تضییع کنیم ملاحظاتی هستند که خودشان این قوانین را نمی‌فهمند پس چطور باید توقع داشته باشیم که عامه ملت ایران این قانون را بفهمند و حفظ حقوق خود را بکنند از احکامی که از روی اصول این قانون از معاکم صادر می‌شود از هر صد حکم پنج حکم مطابق و واقع نیست هر کبیل زبردست و طراری نه می‌توانستند است تشبیه قانون کرده و معانی برای مواد آن قانون درست کند طرف خود را که نمی‌فهمد محکوم کرده است صمصام السلطنه در این مملکت آدم ضعیفی نیست مع ذلک تریادش از این قانون بلند است برای اینکه نمی‌فهمیده است و وکیل او تضییع حقوقش را نموده است وعده قلیلی از قضات هستند که قانون را نمی‌فهمند پس این قانون مناسب با اخلاق نیست و باید تجدید نظری در او بشود این مملکت اسلامی است هم چنانچه خداوند رحمن در قرآن اشاره کرده و باصول حکمت مانوس است اگر چنانچه این قوانین بیج در بیج نفی شود و یک اداره ثبت اسناد صحیحی برای جلوگیری دعوی آتی تاسیس شود و مرافعات را باصول حکمت قطع و فصل کنند و در امور شرعی رجوع بحکام شرع نمایند دیگر این قانون بیج در بیج لازم نیست فقط چند ماده قانون ممکن است در چند جلسه از مجلس بگذرد که مطابق اخلاق و مذاق عمومی باشد در موقتی که بنده راجع به بودجه عرضی می‌کردم حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله فرمودند حرفهای فلانکس عملی نیست حالا بنده از ایشان سؤال می‌کنم آیا این قوانین امروز عملی است

ممكن است اجرا شود ؟ صرف نظر از اینکه موافق اخلاق و عادات عمومی نیست و صلاحیت قانون شدن را ندارد بنده عرض می‌کنم قانون جزای عرفی بالاین اصولی که معین شده اسباب و آلات او هنوز در این مملکت میسر و فراهم نیست حبس مقید حبس مجرد در قلاع و امثال اینها اگر گدا جلو آدم را گرفت چند وقت باید حبس بشود آیا این ترتیبات عملی است  
**آقای شیخ الاسلام -** قانون جزای عرفی که مطرح نیست چرا مذاکره میکنید  
**حائری زاده -** در مملکت ما که مملکت اسلامی است در شریعات باید مراجعه بحکام شرع بکنند و در عرفیات باید اصول حکمت را معمول کنند و وزیر عدلیه باید هفت هشت ماده که تفکیک شریعات از عرفیات کند باید در چند جلسه از مجلس بگذرانند و دیگر محتاج نیست که کار غلطی را بکنیم و حق و کالائی را که نداریم بدیگران بدهیم جمله دیگری که آقای وزیر عدلیه فرمودند حکم کرده اند قضات بدون امتحان داخل نشوند من کسی را سراغ دارم علاوه بر اینکه امتحان نداده جانی هم هست و حالاً لازم نمیدانم او را اسم ببرم و منتقل هم شده بود ایشان باو کار داده‌اند فرمودند قضات بدون مواج و معاکم بدون بودجه را امر فرموده‌اند موقوف بشود برای اینکه معاکمی که باید از عایدات امور خود را بگذرانند مجبور خواهند بود هر روز برای پیدا کردن دعوی برای مردم انتریک کنند و تحصیل حقوقی نمایند در صورتیکه آن معاکمی که سابقاً بودجه نداشت و امروز که بودجه وزارت عدلیه پنجاه و پنج هزار تومان هم کسر شده و بر بودجه اداره ثبت اسناد اضافه شده ما می‌بینیم باز آن معاکم باقی است و موقوف نشده خلاصه اینکه اگر بخواهیم باسم اینکه قانون موقتی است و باید از مجلس بگذرد بنده مخالفم زیرا بطوری که عرض شد همه قوانین موقتی است تا نهای ماه او کیل در تو کبیل نیستیم که اختیارات خودمان را بدیگری بدهیم که برای ما قانون وضع کرده و اجرا کنند  
**رئیس -** گمان می‌کنم مذاکرات برای امشب کافی است

**وزیر عدلیه -** اگر آقایان مذاکرات را کافی میدانند آنوقت در دو سه فرمایش اخیر نماینده معترض لازم است دو کلمه توضیح عرض کنم  
**رئیس -** بقیه مذاکرات میماند برای جلسه سه شنبه  
**وزیر عدلیه -** چون ایشان مطلب خارج از موضوعی فرمودند و در ضمن مذاکرات بیان فرمودند که یک قاضی نه تنها امتحان نداده است بلکه جناب هم کرده است بنده عرض می‌کنم آن شخص رئیس عدلیه یزد بوده است  
**حائری زاده -** حضو است نه رئیس  
**وزیر عدلیه -** در حال از اعضاء عدلیه یزد است که بر خلاف قانون منتقل شد و من از نقطه نظر قانون موقتاً او را القاه کردم تا اینکه اگر در تحت شرایط عمومی منتقل



شدنی است منفصل شود و اگر هم بالعکس القاعده شدنی است القاء شود و اگر این خلاف قانون است من هیچو خلاف قانونی را کرده و اعتراف هم دارم اما نسبت بانحلال مجامع مجانی ننگمتم معاکم مجانی منحل شوند زیرا خود این خلاف قانون بود تکلیف این مسئله در ضمن بودجه عدلیه معلوم خواهد شد یک اصلی را بنده اتخاذ کرده ام و آن این است که باید تمام معاکم دارای بودجه باشند و بر روی این اصل بودجه عدلیه را تهیه کرده ام و به مجلس خواهم آورد و آن دقیقه که مجلس پیشنهاد مرا تصویب کرد یک ساعت بعد تلگراف انحلال تمام معاکم مجانی از طرف من صادر خواهد شد

رئیس - چون روز شنبه مصادف با عید مشروطیت است لذا جلسه موکول بر روز سه شنبه دوساعت بغروب خواهد شد و دستور آن

اولاً بقیه مذاکرات در رایورت کمیسیون بودجه از ماده دوازدهم

ثانیاً بقیه مذاکرات در لایحه که الان مطرح بود حائری زاده - فرمایش آقای وزیر عدلیه که فرمودند لازم است توضیح عرض کنم

رئیس - در جلسه دیگر توضیح بدهید آقای مستشار السلطنه

( اجازه )

مستشار السلطنه - نظر بعلاوه که از طرف عموم نمایندگان محترم نسبت بوقایع اخیر آذربایجان احساس می شود در این موقع که آقای رئیس الوزراء تشریف برده اند می خواستم از سایر آقایان وزراء سؤال کنم که قضیه آذربایجان به نحو خاتمه یافته و از نمایندگان آنجا تلگراف و خبر دارند یا خیر

وزیر عدلیه - آقای رئیس الوزراء تشریف دارند و خودشان برای جواب تشریف بیاورند

( آقای رئیس الوزراء از اطاق خارج وارد شدند )

رئیس - آقای وحید الملک راجع باذربایجان سؤالی داشتید .

وحید الملک - بلی اوضاع آذربایجان متأسفانه در این چند روز گذشته باعث نگرانی زیاد شده و افکار را فوق العاده متوحش ساخته می خواستم از آقای رئیس الوزراء سؤال کنم اگر اخبار جدیدی از آذربایجان دارند که باعث تسکین افکار باشد بفرمایند

رئیس الوزراء - راجع بقضیه تبریز آقایان می دانند در یک هفته قبل تلگرافی از تبریز رسید مبنی

بر اینکه ژاندارمهایی که در شرف خانه بودند خود سرانه بطرف تبریز حرکت کردند بعد از زد و خورد مختصری بانظامیانی که در تبریز بودند وارد شهر تبریز شدند و شهر را تصرف کردند و قوای دولتی بطرف قوم یاغی که در نیم فرسخی شهر تبریز واقع است کشیده اند متعاقب این امر دوتفر از نمایندگان مجلس شورای ملی که در تبریز هستند بتلگرافخانه آمده و بعضی مطالب بدولت اظهار داشته و اصلاح امر را خواستار شدند دولت هم راجع باصلاحات اوضاع اینجا باندازه که می توانست اقدام کرد و امیدوار بود با آن اقدامات رفع غائله بشود ولی متأسفانه از طرف ژاندارمهایی که از شرفخانه آمده و شهر را تصرف نموده بودند تقاضای هائی بعمل آمد که منافی باحیثیات دولت و مصالح مملکتی بود دولت هم از آنچه لازمه نصیحت و اندرز بود خودداری نکرده و حتی الامکان می خواست امر را بمسامت و بدون زد و خورد خاتمه دهد و مکرر بانها متذکر شد که در این موقع که در شرفخانه و ساوجبلاغ اردو تشکیل یافته این اقدام فی الواقع یک عمل خیانتکارانه بر ضد مملکت است و اگر مطالبی داشتید می توانستید از خود شرفخانه بدولت اظهار کنید و ثانیاً تقاضا باید در یک حدودی باشد که مخالفت با قوانین مملکت و حیثیات دولت نداشته باشد و مخصوصاً برای اینکه دولت باین اشخاص مهلت بدهد و فکر کنند شاید از کار خود پشیمان شوند آنچه می توانست و در خور موقعیت بود بعمل آورده و یک چندی هم بانها مهلت داد و در این مدت چه از طرف دولت و چه از طرف بعضی از آقایان نمایندگان نصیحت های لازمه بانها شد ولی متأسفانه مؤثر واقع نگردید سهل است بطوریکه خبر رسید دیروز خود آنها مبادرت بعمله بقوای نظامی دولت کرده اند و بموجب اخباری که از منابع صحیحه داریم باز نظر بدستور العمل هائی که دولت داده بود قوه نظامی حتی الامکان از حمله بانها خودداری کرده و آنچه می توانستند اقدام کرده که شاید آنها را منصرف بکنند و بطور خوشی این غائله رفع شود ولی هر چه از این طرف نصیحت شده بود بر حمله و جسارت آنها افزوده شده و بالاخره کار بچنگ منجر شده است و پس از مختصر زد و خوردی قوای نظامی وارد شهر شده شهر را از تصرف آنها بیرون آورده اند رئیس آنها که لاهوتی باشد فرار اختیار می کنند و ژاندارمها تسلیم شده اند و موافق اطلاعی که از منبع رسمی و همچنین تلگرافی که از امیر لشکر شمال رسیده هر در تصرف قوای دولت و امنیت کامل برقرار است و موافق تعلیماتی که بر رئیس قشونی داده شده بود

کمال مهربانی نسبت باهالی می شود و هر نوع اقداماتی که برای تسکین قلوب مردم لازم بود بعمل آمده پس از رسیدن این اخبار باوجود اینکه دست را عمل برای حفظ مال و جان اهالی و حقوق اتباع خارجه داده شده بود و می دانستم کمال مواظبت از طرف قشون خواهد شد مجدداً تا کیداتی شد و یقین دارم با این ترتیبی که عرض کردم رفع این غائله بخوبی و خوشی بشود و تلفات هم بعهدالله خیلی کم است و گمان می کنم بیش از چهل پنجاه نفر نبوده این اخباریکه عرض کردم مطابق اطلاعاتی است که از منابع رسمی تصدیق شده اگر بعد از این هم اخباری برسد البته بمرض مجلس خواهم رساند .

رئیس - آقای نظام الدوله

( اجازه )

نظام الدوله - چون بموجب فرمایشاتی که آقای رئیس الوزراء فرمودند رضایت و رعایت خاطر اهالی را در نظر داشته اند و اسباب رفاهیت آنها را فراهم نموده اند و قوای دولتی هم بطور خوشی با مردم رفتار کرده اند بنده عرض میکنم که در واقع آذربایجان برای مملکت بمنزله یک قلبی است و در این موقع که دولت برای آسایش اهالی اقدامات مجدانه مبذول فرموده اند نهایت تشکر از ایشان حاصل است

رئیس - آقای فهیم الملک

( اجازه )

فهیم الملک - بنده در دستور عرض دارم و می خواهم عرض کنم بطوری که آقایان مستحضرند عده ای از نمایندگان محترم قسم نخورده اند و البته با این ترتیب در موقع اظهار عقیده و رأی آزاد هستند لذا استدعا میکنم دستور جلسه آتی مراسم تحلیف آقایان بعمل آید و در صورتیکه استدعای بنده قبول شود از آقای شیخ الاسلام تقاضا میکنم برخلاف دفعه سابق اگر موافقی دارند رفع کنند که در موقع حاضر برای تحلیف بمانند .

شیخ الاسلام - این مسئله را آقای رئیس باید امر بفرمایند الان یک قرآن بیاورند تا بنده قسم بخورم قسم خوردن آسان است ولی عمل کردن بقسم مشکل است .

رئیس - اشخاصی که قسم یاد نموده اند روز سه شنبه قسم یاد خواهند نمود و بعد از اتمام آن داخل در دستور میشویم .

( مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد )

رئیس مجلس مؤتمن الملک